



مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

# ایران تحت تحریم تأثیر تحریم‌ها بر رفاه خانوار و اشتغال

جواد صالحی اصفهانی



شهریور ۱۴۰۰

شناسنامه گزارش



عنوان:

ایران تحت تحریم  
تأثیر تحریم‌ها بر رفاه خانوار و اشتغال

مدیریت پژوهش‌های اقتصادی

نویسنده: جواد صالحی اصفهانی

دانشگاه جان هاپکینز

واشنگتن دی سی

حق طبع و نشر اکتبر ۲۰۲۰

تمام حقوق محفوظ است

مترجم: محمدرضا فرهادی پور

تاریخ انتشار: شهریور ۱۴۰۰

واژه‌های کلیدی: تحریم، فقر، بیکاری، رفاه خانوار، اشتغال

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، نبش خیابان شهید موسوی (فرصت)، پلاک ۱۷۵

---

---

مطالب، تحلیل‌ها و پیش‌بینی‌هایی که در این گزارش ارائه شده است، دیدگاه اتاق ایران نیست و صرفاً ترجمه گزارشی از دانشگاه جان‌هاپکینز است.

---

---

## فهرست مطالب

۵	درباره ایران تحریم
۵	درباره مولف
۷	خلاصه مدیریتی
۹	مقدمه
۱۲	۱. رفاه خانوار
۱۳	۱-۱. متوسط استانداردهای زندگی
۱۷	۱-۲. فقر
۱۹	۱-۳. طبقه متوسط
۲۱	۱-۴. مصرف غذا و استانداردهای زندگی
۲۲	۱-۵. اثر کوید ۱۹
۲۳	۱-۶. فاصله‌گذاری اجتماعی
۲۵	۱-۷. توزیع درآمد
۲۷	۱-۸. بیمه سلامت
۲۸	۱-۹. سقوط به زیر خط فقر ۲۰۱۸-۲۰۱۹
۲۹	۱-۱۰. تحلیل پروبیت سقوط به زیر خط فقر
۳۱	۱-۱۱. رفاه خانوار
۳۲	۲. اشتغال
۳۲	۲-۱. روندهای اشتغال
۳۴	۲-۲. روندهای دستمزدهای واقعی
۳۶	۲-۳. ساختار اشتغال
۳۷	۲-۴. تاثیرپذیری و غیررسمی بودن اشتغال
۴۱	۳. نتیجه‌گیری
۴۳	پیوست‌ها
۴۳	۱. نرخ‌های فقر
۴۴	۲. مخارج واقعی تعدیل شده برحسب مکان
۴۷	۳. دستمزدهای واقعی
۴۹	توصیف مشخصات پیمایش‌ها
۵۰	منبع



## دربارهٔ ایران تحت تحریم

اقتصاد ایران از انقلاب سال ۱۹۷۹ به بعد به روش‌های مختلف همواره تحت تحریم بوده است. با این حال، دانش نظام‌مند اندکی در مورد اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت تحریم‌ها بر الگوهای رشد اقتصادی، رفاه عمومی مردم در شهرها و مناطق روستایی، پویایی‌های اجتماعی، فضای مدنی و شرایط ایران وجود دارد. تمرکز اصلی غالباً روی تعداد اندکی از معیارهای مشخصی بوده است که با تشدید تحریم‌ها شعله‌ورتر شده‌اند؛ مواردی مانند: کاهش ارزش پول، تورم و رکود که به دنبال خود افزایش بیکاری و فقر را نیز در پی داشتند. با این وجود، تصویر جامع‌تر وضعیت کشور در میان ناهماهنگی سیاسی پیرامون کیفیت سیاست تحریم گم شده است. این مشکل همان شکافی است که دانشکدهٔ مطالعات پیشرفته بین‌المللی<sup>۱</sup> با انجام پروژهٔ "ایران تحت تحریم"، که نگاهی همه‌جانبه و عمیق به پیامدهای تحریم‌های ایران می‌اندازد، قصد پر کردن آن را دارد. این تحقیقات که در نوع خود بی‌سابقه است، امکان انجام مطالعهٔ موردی آموزنده‌ای را در مورد کاربرد تحریم‌ها در حکم ابزار سیاستمداری فراهم می‌کند.

## دربارهٔ مولف

جواد صالحی اصفهانی مدرک دکترای رشتهٔ اقتصاد را از دانشگاه هاروارد گرفت و پیش از پیوستن به هیئت علمی دانشکده ویرجینیا تک به عنوان استاد اقتصاد دانشگاه پنسیلوانیا (۱۹۸۴-۱۹۷۷) مشغول به تدریس بود. او یکی از اعضای ارشد سازمان اقتصاد و توسعه جهانی، نهاد بروکینگز<sup>۲</sup> و یکی از محققان عضو مجمع تحقیقات اقتصادی در قاهره<sup>۳</sup> است.

او در دانشگاه اکسفورد (۱۹۹۱-۱۹۹۲)، در موسسه بروکینگز (۲۰۰۸-۲۰۰۷) و دانشکده کندی هاروارد (۲۰۰۹-۲۰۱۰)، ۲۰۱۳ و ۲۰۱۶-۲۰۱۷) به عنوان استاد مهمان فعالیت داشته است. صالحی اصفهانی در هیئت امنای مجمع تحقیقات اقتصادی مستقر در قاهره، انجمن اقتصادی خاورمیانه<sup>۴</sup>، انجمن بین‌المللی اقتصادی ایران<sup>۵</sup> و به عنوان دستیار سردبیر مجلهٔ میدل ایست دیولوپمنت<sup>۶</sup> نیز خدمت کرده است. تحقیقات جواد صالحی اصفهانی در زمینهٔ اقتصاد انرژی، اقتصاد جمعیت و اقتصاد خاورمیانه بوده است. او یکی از مولفان مشترک دو کتاب با عناوین *الگوهای بازار نفت*<sup>۷</sup> و *پس از بهار: گذارهای اقتصادی در جهان عرب*<sup>۸</sup> بوده است و دو کتاب دیگر با عناوین *نیروی کار و سرمایه انسانی در خاورمیانه*<sup>۹</sup> و *تولید و انتشار گزینه‌های قابل انتخاب عمومی*<sup>۱۰</sup> را ویرایش کرده است. مقالات او در *اکنومیک ژورنال*<sup>۱۱</sup>، *ژورنال آو*

<sup>۱</sup> SAIS

<sup>۲</sup> Brookings Institution

<sup>۳</sup> Economic Research Forum (ERF)

<sup>۴</sup> Middle East Economic Association

<sup>۵</sup> The International Iranian Economic Association

<sup>۶</sup> Middle East Development Journal

<sup>۷</sup> Models of the Oil Market

<sup>۸</sup> After the Spring: Economic Transitions in the Arab World

<sup>۹</sup> Labor and Human Capital in the Middle East

<sup>۱۰</sup> The Production and Diffusion of Public Choice

<sup>۱۱</sup> Economic Journal

دیولوپمنت اکونومیکس<sup>۱</sup>، هلث اکونومیکس<sup>۲</sup>، اکومنیک دیولوپمنت اند کالچرال چینج<sup>۳</sup>، مجله نابرابری اقتصادی<sup>۴</sup>، اینترنشنال ژورنال آو میدل ایست استادیز<sup>۵</sup>، میدل ایست دیولوپمنت ژورنال<sup>۶</sup> و ایرانیین استادیز<sup>۷</sup> و مجلات دیگر منتشر شده‌اند.

## سپاسگزاری

مolf اثر حاضر از علی واعظ به دلیل آغاز و مدیریت این پروژه و از طارق غنی، حسین سامی و دو داور ناشناس برای ارائه اظهارات خود و مشارکت در وینار "اقتصاد ایران تحت تحریم‌ها" در دانشکده مطالعات پیشرفته بین‌المللی مورخ ۱۷ اکتبر ۲۰۲۰، سپاسگزاری می‌کند.

طرح دانشکده مطالعات پیشرفته بین‌المللی برای تحقیق در مورد ایران معاصر

<sup>۱</sup> the Journal of Development Economics

<sup>۲</sup> Health Economics

<sup>۳</sup> Economic Development and Cultural Change

<sup>۴</sup> The Journal of Economic Inequality

<sup>۵</sup> The International Journal of Middle East Studies

<sup>۶</sup> The Middle East Development Journal

<sup>۷</sup> Iranian Studies

## خلاصه مدیریتی

تحریم‌های سخت علیه ایران، با هدف فشار وارد کردن به رهبران ایران از طریق دشوارتر کردن زندگی شهروندان اعمال می‌شوند.

تاکنون تحریم‌ها در ایجاد بحران‌های اقتصادی و آسیب زدن به رفاه مردم عادی ایران، موفق عمل کرده‌اند. مقاله حاضر تاثیر تحریم‌هایی که از سال ۲۰۱۰ علیه ایران وضع شده‌اند را بر مصرف خانوارها و اشتغال بررسی می‌کند. نتایج حاکی از این است که اگرچه درآمد و مصرف خانوارها ضربه سختی خورده است، اما اشتغال در ایران به نسبت از تاب‌آوری بیشتری برخوردار بوده است.

اثر تحریم‌ها بر اقتصاد ایران دو چندان بوده است؛ هم سبب کاهش درآمدهای دولت از صادرات نفت شده و هم تجارت ایران با جهان خارج را کم کرده است. کاهش درآمدهای صادراتی به کاهش ارزش پول ملی ایران انجامیده است که این مسئله نیز به نوبه خود تشدید تورم را به دنبال داشته و به بودجه خانوارها آسیب زده است. کاهش درآمدهای دولت سبب ایجاد رکود اقتصادی شده که هم به مصرف و هم به اشتغال آسیب زده است. این پژوهش با استفاده از داده‌های مربوط به پیمایش مصرف خانوارها نشان می‌دهد روند صعودی مخارج سرانه پس از سال ۲۰۱۰ منفی شد و با کنار کشیدن ایالات متحده از توافق هسته‌ای در سال ۲۰۱۸ و آغاز کمپین «فشار حداکثری» ترامپ، با شتاب بیشتری به سمت پایین حرکت کرد.

در این میان اشتغال، مسیر متفاوتی را در پیش گرفت زیرا کاهش ارزش پول ملی ایران، سودآوری بخش‌های قابل تجارت غیرنفتی را در این کشور افزایش داد و به این ترتیب منجر به تشویق روند جایگزینی واردات شد. به ویژه، اشتغال در بخش تولید صنعتی به رشد خود ادامه داد و تنها با پیدایش همه‌گیری کووید در سال ۲۰۲۰ متوقف شد. با این حال، به دلیل اینکه افزایش ناچیز اشتغال نتیجه دستمزدهای واقعی کمتر بود، افزایش اشتغال توانایی کاهش سرعت تقلیل استانداردهای زندگی را نداشت. علت افزایش ناچیز اشتغال در این دوران این بود که تحریم‌ها، توانایی صادرکنندگان ایرانی برای بهره‌برداری از هزینه پایین‌تر نیروی کار برای افزایش میزان فروش خود به کشورهای خارجی را محدود می‌ساخت.

اثر بحران اقتصادی شکل گرفته در اثر تحریم‌ها، به صورت برابر توزیع نشده است، به نحوی که خانوارهای روستایی بیشترین ضربه را از این بحران خورده‌اند. از سال ۲۰۱۰ به بعد، نرخ فقر در مناطق روستایی دو برابر شده است و در مناطق شهری نیز به میزان ۶۰ درصد افزایش یافته است. سابقه مطلوب جمهوری اسلامی در دهه پیشین برای نصف کردن نرخ فقر و کاهش آن از حدود ۲۰ درصد در سال ۲۰۰۰ به رقمی کمتر از ۱۰ درصد در سال ۲۰۱۰، قربانی پایه درآمد رو به کاهش دولت و سرعت اجرای تحریم‌های ترامپ و ضربه همه‌گیری کرونا به اقتصاد شد.

برخلاف سال ۲۰۱۱ که برنامه نوظهور اعطای یارانه‌های نقدی به اقشار فقیر در برابر پیامدهای منفی شدیدتر شدن تحریم‌ها تحت ریاست جمهوری اوباما محافظت می‌کرد، طی دو سال اخیر سازمان‌های رفاهی گسترده جمهوری اسلامی و برنامه اعطای کمک مالی به شدت ضعیف شده آن در جلوگیری از سقوط شدید نرخ مصرف در سراسر طیف



اجتماعی کشور و در نتیجه افزایش نرخ فقر، ناکارآمد و بلااثر از آب درآمده‌اند. از سال ۲۰۱۱، در حدود ۸ میلیون نفر از طبقه متوسط به طبقه متوسط روبه‌پایین<sup>۱</sup> نزول کرده‌اند، در حالی که صف فقرا با بیش از ۴ میلیون نفر متورم شده است. پیدایش همه‌گیری کووید در سال ۲۰۲۰ نیز این مشکل را تشدید کرده است. علاوه بر فقدان منابع کافی برای حمایت از افرادی که شغلشان را از دست داده‌اند، دولت همچنین نتوانسته است به اکثریت کارگران ایرانی دارای مشاغل غیررسمی، به راحتی کمک کند.

---

<sup>۱</sup> lower middle-class

## مقدمه

هدف تحریم‌هایی که بر تجارت و امور مالی یک کشور اعمال می‌شوند، تاثیرگذاری بر رفتار دولت آن کشور است اما این تحریم‌ها همواره به شکل غیرمستقیم و از طریق اعمال فشارهایی که عمدتاً مردم عادی آن کشور را تحت تاثیر قرار می‌دهد به این هدف دست پیدا می‌کنند. تحریم‌ها، شوک اقتصاد کلان منفی ایجاد می‌کنند که رفاه اقتصادی یک بخش یا تمام بخش‌های جمعیت آن کشور را تقلیل می‌دهد. طرفداران تحریم‌ها باور دارند که نارضایتی عمومی ناشی از کاهش رفاه، دولت کشور تحریم شده را تحت فشار قرار می‌دهد تا سیاست‌هایش را در راستای مطلوب تغییر دهد. بنابراین، تحریم‌ها دو نوع سوال مختلف را مطرح می‌سازند. اول، تاثیر آنها بر رفاه متوسط افراد کشور به چه اندازه است و کدام دسته بیشترین تاثیرپذیری را خواهند داشت: مقامات رسمی که هدف اصلی این تحریم‌ها هستند یا حامیان آنها در جامعه یا افراد بی‌گناه و بی‌طرف؟ پاسخ این سوال احتمال موفقیت تحریم‌ها را مشخص می‌کند. دوم، تحریم‌ها، نگرانی‌های هنجاری مهمی را به ویژه در مورد تنبیه جمعی مطرح می‌سازند که این موارد در پیمان ژنو ممنوع شده است (ویستبرات<sup>۱</sup> و ساکس<sup>۲</sup> ۲۰۱۹).<sup>۳</sup> بر این اساس، اندازه‌گیری تاثیر تحریم‌ها بر استانداردهای زندگی گروه‌های مختلف اجتماعی هم برای افرادی که تحریم‌ها را اعمال می‌کنند و هم برای افرادی که نگران آسیب دیدن افراد بیگناهی هستند که در میان آتش متقابل درگیری‌های بین‌المللی گرفتار شده‌اند، اهمیت دارد.

جمهوری اسلامی ایران، در تاریخ مدرن، چندین دهه است که تحت شدیدترین تحریم‌ها بوده است. این تحریم‌ها پس از می ۲۰۱۸ که رئیس‌جمهور دونالد ترامپ، ایالات متحده را از توافق هسته‌ای ایران خارج کرد و کمپین «فشار حداکثری» خود را آغاز نمود، شدیدتر شدند. تولید ناخالص داخلی ایران که طی اولین مرحله تحریم‌ها در دوران حکومت رئیس‌جمهور اوباما به شدت راکد مانده بود از آن زمان تاکنون پیوسته کاهش پیدا کرده است. در سال‌های اخیر، همه‌گیری کووید نیز به آسیب ناشی از تحریم‌ها افزوده است. مقاله حاضر، با اندازه‌گیری نرخ مصرف خانوارها و داده‌های حاصل از پیمایش اشتغال، تاثیر تحریم‌ها را بر رفاه خانوار بررسی می‌کند. برآوردهای این مقاله نسبت به برآوردهای پیشین محاسبه شده در شبیه‌سازی‌ها، اثر به مراتب بزرگ‌تری را بر میانگین مصرف نشان می‌دهد.<sup>۴</sup> علاوه‌براین، داده‌های پیمایش اشتغال نیز امکان برآورد میزان پسرفت در بخش‌های مختلف توزیع مصرف را نشان می‌دهند.

تحلیلی که در ادامه ارائه شده است نشان می‌دهد پس از اعمال تحریم‌ها، نرخ بهره، مصرف، فقر و اشتغال به چه نحوی تغییر کرده‌اند. با این حال، تحلیل زیر جزء تحلیل‌های علی نیست که در آن با ثابت نگه داشتن سایر عواملی که می‌توانند بر نتایج تاثیرگذار باشند، پیوندی میان برخی تحریم‌های مشخص و نتایج خاص ایجاد شود. از این نظر، این پژوهش از روش کار پژوهش‌های دیگری که تاثیر بحران‌های اقتصادی را بر رفاه خانوارها بررسی کرده‌اند، اما

<sup>۱</sup> Weisbrot

<sup>۲</sup> Sachs

<sup>۳</sup> M. Weisbrot and J. Sachs, "Economic sanctions as collective punishment: The case of Venezuela, Center for Economic and Policy Research, pp. 1–25 (2019).

<sup>۴</sup> M.R. Farzanegan, M.M. Khabbazan and H. Sadeghi, Effects of Oil Sanctions on Iran's Economy and Household Welfare: New Evidence from A CGE Model, pp. 185–211 (New York, 2016).

مکانیسم‌های تاثیرگذاری را شناسایی نکرده‌اند، پیروی می‌کند.<sup>۱</sup> با این وجود، همانند بحران‌های اقتصادی ناشی از سایر شوک‌های بزرگ اقتصاد کلان شکی نیست که تحریم‌ها با کاهش صادرات نفت و جلوگیری از تجارت خارجی ایران، ضربه سختی به اقتصاد ایران و استانداردهای زندگی مردم عادی زده‌اند. در بازه زمانی کوتاه‌مدت میان کاهش تحریم‌های سال ۲۰۱۶ و اعمال مجددشان در سال ۲۰۱۸، رشد اقتصاد ایران (رشد تولید ناخالص داخلی) از ۱۳ درصد در سال به منفی ۶ درصد تغییر کرد. بنابراین، صحبت درباره اثرات تحریم‌ها بدون اشاره به رابطه علی دقیق آنها قابل قبول خواهد بود؛ زیرا مصرف و اشتغال، بحران اقتصادی ناشی از اعمال تحریم‌ها را از نزدیک دنبال می‌کنند.

این پژوهش، تغییرات مصرف و اشتغال را در بخش‌های جداگانه اما به هم مرتبط بررسی می‌کند. آسیب‌پذیری مصرف برای بیشتر افراد یکی از نتایج مستقیم دسترسی تضمین‌نشده به اشتغال است. درآمد حاصل از کار، بیش از نیمی از مخارج مصرفی خانواده‌ها را تامین می‌کند و این نسبت برای اقشار فقیر حتی بزرگ‌تر است. نکته مهم‌تر این است که شاید تحریم‌ها به بهبود اشتغال کمک کرده باشند، زیرا به نظر می‌رسد به افزایش مشاغل در بخش‌های در حال رقابت با واردات انجامیده باشند. با این حال، همانطور که در بخش ۳ نشان داده شده است، به دلیل کاهش درآمدها پس از اعمال تحریم‌ها، تاثیر کلی آنها بر استانداردهای زندگی افراد منفی بوده است.

این پژوهش بخش بزرگی از تحلیل‌های خود را در مورد مصرف و اشتغال، مدیون داده‌های خردی است که از دو پیمایش انجام شده توسط مرکز آمار ایران به دست آمده‌اند. داده‌های مربوط به درآمد و مخارج خانوارها در پیمایش مخارج و درآمد خانوارها<sup>۲</sup> به صورتی قابل اعتماد گزارش می‌شود و نزدیک به پنج دهه است که هر ساله گردآوری می‌شوند، داده‌های سطح اقتصاد خرد آن از سال ۱۹۸۴ به بعد در دسترس هستند.

تحلیل اشتغال نیز وابستگی بالایی به پیمایش نیروی کار<sup>۳</sup> دارد که به صورت فصلی انجام می‌شود و داده‌های سطح خرد آن از سال ۲۰۰۵ به بعد در دسترس است. اتکا به داده‌های سطح خرد به این دلیل اهمیت دارد که اعتماد به آمارهای اقتصادی منتشر شده رسمی ایران، به ویژه در غرب، کم است و مباحثه در مورد اثر تحریم‌ها به شدت بحث‌برانگیز است و کارشناسان برای اثبات نظر خود آمارهای بسیار متنوعی ارائه می‌کنند. برای مثال، مقایسه استانداردهای زندگی پیش و پس از انقلاب می‌تواند بسیار متفاوت باشد.<sup>۴</sup> نسبت افراد زیر خط فقر نیز دامنه تغییرات زیادی دارد و از ۷۰ درصد تا کمتر از ۱۰ درصد متغیر است. در چنین فضای بحث‌برانگیزی، داده‌های آماری حاصل از پیمایش‌های سطح خرد خانوارها برای دستیابی به تصویر قابل اعتماد از وضعیت اقتصاد ایران ضروری است.

<sup>۱</sup> برای مشاهده بررسی مختصری در این زمینه به مرجع زیر رجوع کنید:

D. Thomas and E. Frankenberg. "Household responses to the financial crisis in Indonesia: Longitudinal evidence on poverty, resources, and well-being," in *Globalization and Poverty*, Ann Harriossn (ed.) pp. 517-560 (Chicago, 2007).

<sup>۲</sup> Household Expenditure and Income Survey

<sup>۳</sup> Labor Force Survey

<sup>۴</sup> Nadereh Chamlou "Iran's Economic Performance Since the 1979 Revolution." *The Atlantic Council*, 2/1/2019, and Salehi-Isfahani, "Iran's Economy 40 Years After the Revolution," in Maloney, Suzanne, ed. *The Iranian Revolution at Forty*. Brookings Institution Press, 2020.

این مقاله، همچنین به صورت خلاصه، نحوه واکنش دولت ایران به شوک‌های ناشی از تحریم‌ها، یعنی افزایش کمک اجتماعی و کاهش ارزش پول ملی برای تقویت اشتغال را بررسی خواهد کرد.<sup>۱</sup>

نتیجه اصلی تحلیل مصرف این است که دستکم به لحاظ زمانی، شواهدی از تاثیر تحریم‌ها بر کاهش استانداردهای زندگی مردم عادی و افزایش فقر وجود دارد. به‌رغم تلاش‌های دولت برای رسیدگی به اقشار فقیر از طریق کمک‌های نقدی و غیرنقدی، فقر طی دو سال اخیر و به ویژه در مناطق روستایی کشور افزایش پیدا کرده است. در سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۲ کمک‌های نقدی دولت، تاثیر تحریم‌های اوباما را اندکی کاهش داده بود و نرخ فقر در واقع حتی کاهش پیدا کرد، اما در سال ۲۰۱۸ و تحت تحریم‌های ترامپ، کمک‌های نقدی چندان کمکی به خانوارها نمی‌کرد زیرا ارزش واقعی آن به دلیل تورم بالا، به شدت کاهش یافته بود و به همین دلیل نرخ فقر در کشور افزایش یافت.

در مقابل، نتیجه اصلی تحلیل اشتغال این است که شاید تحریم‌ها در واقع به گسترش اشتغال انجامیده باشند؛ چرا که دولت در واکنش به کاهش صادرات نفت، اجازه داد تا ارزش پول ملی به سرعت کاهش یابد و این مسئله، تقویت تولید محلی کالاهای رقیب محصولات وارداتی را رقم زد. اشتغال در ایران به دلیل صلبیت بازار کار، به طور کلی نوسانات زیادی ندارد. کاهش ارزش پول ملی نیز میانگین درآمد را در ایران نسبت به شرکای تجاری آن کاهش داد و به همین دلیل رقابت‌پذیری تولید محلی افزایش یافت.

همچنین برای پوشش تغییرات مصرف، فقر و اشتغال ناشی از همه‌گیری تلاش شد، اما داده‌های مصرف تنها یک ماه پس از همه‌گیری را پوشش می‌دهند. کووید نسبت به کشورهای همسایه ایران، ضربه شدیدتری به کشور زد به طوری که گزارشات منتشر شده، کاهش شدید درآمدها و مشاغل را نشان می‌دهند. داده‌های خرد آخرین ماه سال ۱۳۹۸ (۱۹ فوریه-۲ مارس ۲۰۲۰)، تاثیر به مراتب بزرگ‌تر همه‌گیری نسبت به تحریم‌ها را نشان می‌دهد.

<sup>۱</sup> برای مشاهده مطالب بیشتر در این زمینه به مقاله کوین هریس در این مجموعه رجوع کنید.

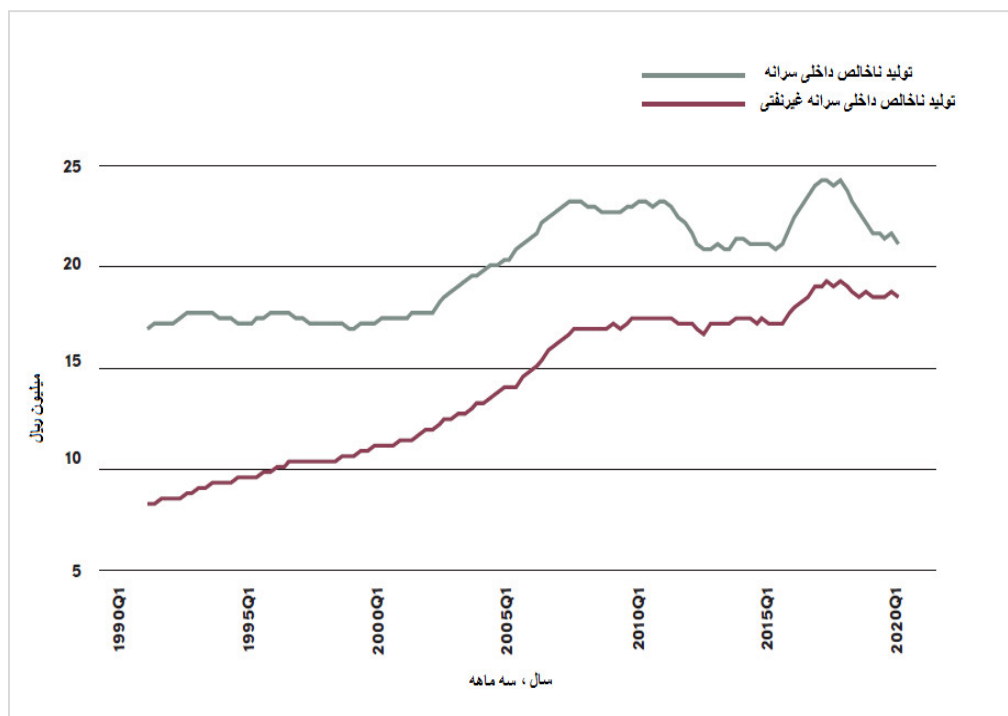
## ۱. رفاه خانوار

تحریم‌های ایالات متحده درحکم یک شوک منفی بزرگ به اقتصاد ایران، به طور طبیعی استانداردهای زندگی افراد عادی ایران را تحت تاثیر قرار داده است. این وضعیت در ساده‌ترین استاندارد زندگی یعنی تولید ناخالص داخلی سرانه و همچنین معیارهای مبتنی بر پیمایش مصرف خانوارها منعکس شده است. نمودار ۱ و ۲ نشان می‌دهند صعود و سقوط تولید ناخالص داخلی سرانه و مخارج سرانه رابطه نزدیکی با یکدیگر دارند. به همین دلیل، درس‌های یکسانی از گزارشات ملی و داده‌های پیمایش حاصل می‌شود: دوره طولانی‌مدت افزایش استانداردهای زندگی، نزدیک سال ۲۰۱۰ که تحریم‌ها در دوران دولت اوباما تشدید شدند به پایان می‌رسد و تسهیل تحریم‌ها پس از توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵، رشد اقتصادی مستحکمی را در سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۷ ایجاد می‌کند که پس از آغاز تحریم‌های ترامپ در سال ۲۰۱۸ به سرعت پایان می‌یابد.

یکی از ویژگی‌های قابل توجه اقتصاد ایران که در گزارشات ملی آشکار شده، اختلاف میان روند تولید ناخالص داخلی با نفت و تولید ناخالص داخلی غیرنفتی است که مطابق نمودار ۱ مسیری یکسان با معیارهای سرانه را دنبال کرده‌اند. تولید ناخالص داخلی غیرنفتی که فعالیت اقتصادی ۹۸ درصد از نیروی کار ایران را نشان می‌دهد و رابطه نزدیک‌تری با اشتغال و بهره‌وری دارد، زمانی که تولید ناخالص داخلی پس از سال ۲۰۰۸ به تدریج از حرکت ایستاد، به رشد خود ادامه داد. این واقعیت که سایر بخش‌ها توانستند سهم خود را در تولید ناخالص داخلی پس از کاهش صادرات نفتی افزایش دهند، ویژگی کمتر درک‌شده اقتصاد ایران است که نقش مهمی را در توانایی مقاومت ایران در برابر تحریم‌ها داشته است.<sup>۱</sup> با این حال تاب‌آوری مورد اشاره، در سطح کلان مانع کاهش شدید استانداردهای زندگی مردم نشده است. این موضوع در داده‌های پیمایش که در ادامه نشان داده شده است قابل مشاهده می‌باشد. علت این امر را می‌توان در این نکته دانست که افزایش اشتغال عمدتاً با کاهش دستمزدهای واقعی ممکن شده است.

<sup>۱</sup> Salehi-Isfahani. "Rising Employment Casts Doubt on IMF's Grim Forecast for Iran's Economy." Bourse and Bazaar. 10/30/2019.

## نمودار ۱. سرانه تولید ناخالص داخلی بانفت و بدون نفت، میانگین‌های متحرک ۵ فصل



توجه داشته باشید که میانگین متحرک ۵ فصل است.

منبع: مرکز آمار ایران

### ۱-۱. متوسط استانداردهای زندگی

داده‌های حساب‌های ملی در نمودار ۱ نشان می‌دهد که سرانه تولید ناخالص داخلی غیرنفتی حتی با کاهش درآمدهای نفتی پس از سال ۲۰۱۰، هر چند خیلی کند، افزایش یافته است. داده‌های مربوط به مصرف شخصی که از پیمایش مخارج بدست آمده‌اند، تصویر به مراتب وخیم‌تری را نشان می‌دهند که در آن متوسط استانداردهای زندگی در فاصله سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۹ به میزان ۱۷,۷ درصد سقوط کرده است. در نتیجه، مصرف سرانه در سال ۲۰۱۹ به سطوح سال ۲۰۰۲ بازگشته است. بحران اقتصادی نه تنها مانع افزایش استانداردهای زندگی مردم ایران از سال ۲۰۱۰ به بعد شده، بلکه تقریباً نتایج یک دهه پیشرفت در این زمینه را به طور کامل محو کرده است.

انحرافات میان عملکرد اقتصاد کلان و مصرف شخصی، پدیده‌ای غیرعادی به حساب نمی‌آید. این انحرافات می‌تواند به دلایل متعددی ایجاد شود مانند حالتی که با گذشت زمان، منابع بیشتری به سمت دولت یا بخش خصوصی منحرف یا به خارج از کشور برده شوند.<sup>۱</sup> تورم که نوعی مالیات‌گیری است و میانگین آن طی دهه گذشته ۲۰ درصد بوده است،

<sup>۱</sup> داده‌های نظرسنجی مصرف خانوارها معمولاً مصرف خصوصی را کمتر از میزان مصرف ثبت شده در گزارشات ملی تمام کشورها نشان می‌دهند اما این اختلاف در ایران به دلیل یارانه‌های دولتی عظیم به ویژه در زمینه انرژی (در بخش دو در زیر توضیح بیشتری در مورد یارانه‌های انرژی ارائه می‌شود) به مراتب بزرگ‌تر است. از آنجا که یارانه‌های انرژی با گذشت زمان و همراه با رشد اقتصادی و افزایش نرخ مصرف انرژی افزایش یافته‌اند، اختلاف این برآورد و گزارشات رسمی به شدت افزایش یافته است و شکاف عمیقی را میان روندهای تولید ناخالص داخلی سرانه و مصرف از یک‌سو و تولید ناخالص داخلی سرانه بر حسب قیمت ثابت کالاها و نقطه برابری قدرت خرید دلاری از سوی دیگر ایجاد کرده‌اند.

احتمالا مهم‌ترین منبع هدایت منابع از خانوارها به سمت دولت بوده است. فرار سرمایه عمدتا به شکل درآمدهای صادراتی که قادر به بازگشت به کشور نبودند نیز عامل مهم دیگری بوده است.<sup>۱</sup>

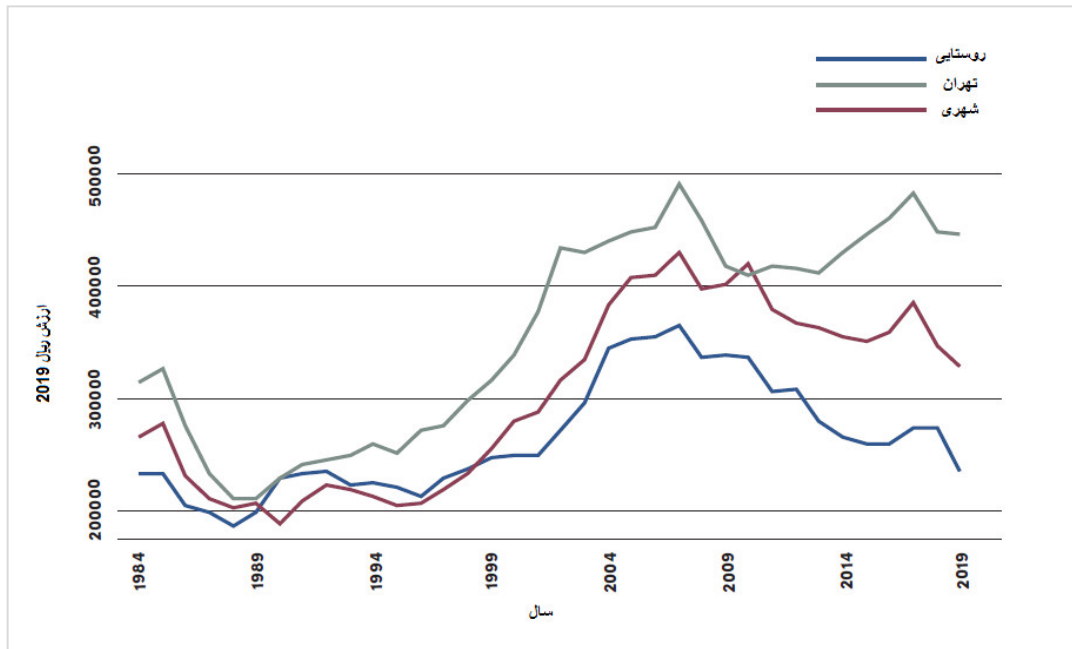
البته، تمام ۱۷,۷ درصد کاهش استانداردهای زندگی طی دهه اخیر را نمی‌توان به تحریم‌ها نسبت داد. سقوط قیمت نفت ابتدا در سال ۲۰۰۸ و سپس بار دیگر در سال ۲۰۱۴ نقش قابل‌توجهی در این زمینه داشته است. اگرچه تحریم‌ها حجم صادرات نفت را کاهش داده‌اند، اما کاهش قیمت نفت نیز به معنای کسب درآمد کمتر از میزان نفتی بود که امکان صادرات آن وجود داشت. تنها علامت قطعی که در صورت لزوم نشان می‌دهد تحریم‌ها الزام‌آورترین محدودیت فعالیت اقتصادی بوده‌اند، افزایش شدید تولید ناخالص داخلی (۱۳ درصد) در سال ۲۰۱۶ بود که قیمت نفت همچنان در سطوح به نسبت پایینی بود، اما تحریم‌ها اندکی کم شده بودند. جای شگفتی نیست که بازیگران اقتصادی از مهلت کوتاه کاهش تحریم‌ها و قابلیت تولید استفاده نشده برای افزایش تولید استفاده کرده‌اند.

داده‌های پیمایش، پس از تفکیک میانگین نرخ مصرف به ازای مناطق مختلف، حکایت از روایتی به مراتب هشداردهنده‌تر دارند. نمودار ۲ میانگین مخارج سرانه تهران و سایر مناطق شهری را نشان می‌دهد که برحسب شاخص قیمت مصرف‌کننده برای مناطق روستایی و شهری و شاخص هزینه زندگی اخذ شده از خطوط فقر مناطق روستایی و شهری تمام استان‌ها تعدیل شده‌اند. مطابق این معیار، اگرچه تمام مناطق از رشد اقتصادی پیش از سال ۲۰۱۰ که عمدتا به لطف افزایش درآمدهای نفتی محقق شده بهره برده‌اند، اما انقباض اقتصادی به صورت برابر تقسیم نشده است. تمام بخش‌های مختلف، در ابتدا از سقوط موقت قیمت نفت در سال ۲۰۰۸ که به سرعت با افزایش تحریم‌ها پیگیری شده است ضربه سختی خورده‌اند.<sup>۲</sup> در حالی که در تهران میانگین مصرف پس از سال ۲۰۰۸ تقریبا ثابت ماند، در مابقی بخش‌های کشور میانگین مصرف به شدت کاهش یافت (به میزان ۳۰ درصد در مناطق روستایی و ۱۱.۶ درصد در سایر مناطق شهری). جای شگفتی است که وضعیت ساکنین تهران در سال ۲۰۱۹ در مقایسه با سال ۲۰۱۰ (در حدود ۹.۱ درصد)، بهتر شده است.

<sup>۱</sup> برای مشاهده شواهد در این مورد به مقاله تطبیقی در این پروژه توسط شاهرخ فردوست رجوع کنید.

<sup>۲</sup> برای مشاهده داده‌های استفاده شده در نمودار ۲ و ضرایب وزنی مکانی که برای تعدیل تفاوت هزینه زندگی که مردم فقیر تجربه می‌کنند استفاده شده‌اند به بخش پیوست‌ها رجوع کنید.

<sup>۳</sup> K. Katzman, "Iran Sanctions," Technical Report, Congressional Research Service (2020).

نمودار ۲. فراز و فرود استانداردهای زندگی<sup>۱</sup>


منبع: محاسبات مولف براساس داده‌های خرد پیمایش مخارج و درآمد خانوار که مرکز آمار ایران منتشر می‌کند.

تأثیر متفاوت انقباض اقتصادی بر میانگین مصرف در تهران و مابقی بخش‌های ایران می‌تواند دلایل متعددی داشته باشد. اقتصاد تهران از تنوع بیشتری برخوردار است و به ساکنین خود اجازه می‌دهد تا سازش موثرتری با تحریم‌ها و رکود اقتصادی پیدا کنند. همچنین سهم دولت و مشاغل کارمندی که در جریان این بحران بهتر از بخش‌های دیگر مورد محافظت قرار گرفته‌اند، بیشتر است. مناطق روستایی و کوچک‌تر، کمترین بهره را از حمایت‌های دولتی برده‌اند. این مناطق، فاصله جغرافیایی و سیاسی بیشتری از مراکز قدرت و خزانه ملی داشتند و به همین دلیل بهره کمتری از سیاست‌های محافظت اجتماعی دولت برده‌اند. این فاصله با به قدرت رسیدن دولت نئولیبرال رئیس‌جمهور حسن روحانی که جایگزین دولت پوپولیست محمود احمدی نژاد در سال ۲۰۱۳ شد، بیشتر شده است.

در کاهش بیشتر مصرف روستایی احتمالاً عوامل دیگری نیز نقش داشته‌اند. اقتصاد کشاورزی به دلیل عوامل زیست‌محیطی مانند یک دهه خشک‌سالی و کاهش ذخایر آب‌های زیرزمینی به شدت تحت فشار بوده است.<sup>۲</sup> تورم بالاتر در مناطق روستایی نیز عامل بالقوه دیگری است، اما مخارج با استفاده از شاخص‌های قیمت مصرف‌کننده جداگانه برای مناطق روستایی و شهری تعدیل شده است. از سال ۲۰۱۱ که واگرایی میان نرخ فقر میان مناطق روستایی و شهری پدیدار شد، قیمت‌ها در مناطق شهری با ضریب ۳.۳ و در مناطق روستایی با ضریب ۳.۴ افزایش یافته‌اند. عامل بالقوه دیگر مهاجرت‌گزینی است. میانگین مصرف در مناطق روستایی می‌تواند به این دلیل سریع‌تر از مناطق شهری کاهش پیدا کرده باشد که خانواده‌های ثروتمندتر، روستاها را به مقصد شهرها ترک کرده باشند. با این

<sup>۱</sup> مخارج بر حسب شاخص قیمت مصرف‌کننده مناطق روستایی و شهری و ویژگی‌های مکانی و با کمک ضرایب وزنی محاسبه شده بر حسب خطوط فقر مناطق روستایی و شهری هر استان تعدیل شده‌اند.

<sup>۲</sup> Shahi, A. (2019). Drought: The Achilles heel of the Islamic Republic of Iran. *Asian Affairs* 50 (1), 18–39.



حال شواهد اندکی برای تأیید این حدس وجود دارد. مطابق پیمایش نیروی کار که در آن از کارگران سوال شده است که آیا به تازگی محل اقامت خود را تغییر داده‌اند یا خیر، سالانه در دوره ۲۰۱۸-۲۰۱۹ به طور میانگین ۰٫۳ درصد از جمعیت روستایی به شهرها مهاجرت کرده‌اند. این نرخ کمتر از نرخ میانگین سالانه ۰٫۵ درصدی مهاجرت در دوره سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۲ است که انتقال وجوه نقد یکسان از سوی دولت، درآمدهای مناطق روستایی را افزایش و فقر را واقعاً کاهش داد. علاوه بر این، در سال‌های اخیر افراد تحصیل کرده‌تر (و به همین دلیل موفق‌تر)، مشارکت چندانی در مهاجرت از روستاها به شهرها نداشته‌اند.<sup>۱</sup>

این ارقام دو سوءتفاهم گسترده نسبت به وضعیت فعلی اقتصاد ایران را تصحیح می‌کنند. طرفداران تحریم‌ها غالباً به فشار اقتصادی پس از سال ۲۰۱۱ به عنوان شاهدی دال بر سقوط آزاد و در آستانه فروپاشی قرار گرفتن اقتصاد ایران، اشاره و ابراز امیدواری می‌کنند که تحریم‌های شدیدتر، رهبران ایران را به زودی وادار به تسلیم شدن خواهد کرد. این افراد گاه به گاه برای فرار از منتقدانی که ادعا می‌کنند این تحریم‌ها غیرانسانی هستند، به این دلیل که در جریان همه‌گیری به مردم عادی ایران آسیب می‌زنند، فساد و سوءمدیریت اقتصادی را مقصر اصلی رنج کشیدن مردم می‌دانند.<sup>۲</sup> فساد و سوءمدیریت بدون شک در رشد اقتصادی آهسته طی چهار دهه اخیر نقش داشته است، اما تغییرات نرخ رشد از یک دهه به دهه دیگر را توضیح نمی‌دهد. داده‌های نمودار ۱ نشان می‌دهد که اولاً اقتصاد ایران هیچ‌گاه در سقوط آزاد نبوده است بلکه سطح فعالیت اقتصادی که با تولید ناخالص داخلی غیرنفتی به طور دقیق‌تری اندازه‌گیری می‌شود به نسبت باثبات و با سرعت کمی در حال صعود بوده است (همچنین به جدول ۱۳ در بخش پیوست‌ها رجوع کنید). ثانیاً این واقعیت که درآمدها پیش از ضربه تحریم‌ها در سال ۲۰۱۰ روند صعودی داشتند، این ادعا را که عوامل ذاتی مسئول رکود استانداردهای زندگی پس از تحریم‌ها بوده‌اند تضعیف می‌کند.

مسیرهای واگرایی سه منطقه (روستایی، شهری و تهران)، درس دیگری است که از این نمودار می‌توان آموخت. پس از پایان جنگ مخرب با عراق در سال ۱۹۸۹، سطح مصرف تعدیل شده برحسب مکان در هر سه منطقه تقریباً یکسان بود. با این حال، پس از سال ۲۰۰۷ که میانگین مصرف به اوج خود رسید، مصرف در تهران در حدود یک سوم بالاتر از مناطق روستایی و در حدود ۱۵ درصد بالاتر از سایر مناطق شهری بود. شاید یکی از دلایل این واگرایی تغییر ساختار جمعیت ساکن در این مناطق باشد. هر سال تقریباً ۰٫۵ درصد از جمعیت مناطق روستایی به مناطق شهری اضافه می‌شدند که بعضی از آنها به شهرها مهاجرت می‌کردند و بعضی نیز با تغییر دسته‌بندی روستایشان از روستا به شهر، به جمعیت شهری افزوده می‌شدند. در ایران، روستاهایی با بیش از ۵۰۰۰ نفر جمعیت می‌توانند به دولت درخواست تغییر دسته‌بندی روستای خود را بدهند. اگرچه به نظر نمی‌رسد انتخاب براساس درآمد یا آموزش [تحصیلات] اثری قوی بر مهاجرت به مناطق شهری داشته باشد، اما به نظر می‌رسد دسته‌بندی مجدد روستاها اثری قوی در این زمینه داشته است. به عبارت دیگر، احتمال گسترش و شهر شدن روستاهای مرفه‌تر بیشتر از سایر روستاها بود. در نتیجه، ممکن

<sup>۱</sup> Asadi, G. and M. H. Mostafavi-Dehzoeei (2019). "The effects of precipitation shocks on rural labor markets and migration." Available at SSRN 3249735.

<sup>۲</sup> "No Time to End Sanctions", *Wall Street Journal* 3/25/2020. For an earlier statement of the same view, see also J. Amuzegar "Iran's economy and the U.S. sanctions," *The Middle East Journal*, 185-199, 1997.

است انتخاب [روستاها بر این اساس] یکی از عوامل مهم در کاهش سریع در مصرف مناطق روستایی طی دهه اخیر بوده باشد، اما این مسئله برای یک سال واحد مانند سال ۲۰۱۹ صادق نخواهد بود.

## ۱-۲. فقر

در بیشتر کشورهای در حال توسعه، فقرا در برابر شوک‌های خارجی منفی، آسیب‌پذیرترند زیرا آنها از پس‌انداز کافی برای عبور از دوره کاهش موقت درآمد خود، برخوردار نیستند. فقرا همچنین فاقد قدرت سیاسی برای هدایت منابع دولتی به سمت نیازهای خود هستند. جمهوری اسلامی ایران با شعارهای انقلابی به نفع فقرا شناخته می‌شود. با این وجود، این سوال را که آیا دولت ایران توانسته است از فقیرترین شهروندانش در برابر بحران‌های اقتصادی ناشی از تحریم‌ها بهتر محافظت کند یا خیر را می‌توان با دقت مناسبی پاسخ داد، زیرا ایران پیمایش‌های درآمد و مخارج را به طور منظم انجام می‌دهد و مهمتر از آن، نتایج آنها را در قالب اسناد واحدی برای استفاده محققان منتشر می‌کند. این داده‌های خرد بینش مفصلی را درباره توزیع رفاه خانوارها از سال ۱۹۸۴ به بعد نشان می‌دهند. اگرچه پیدا کردن رابطه علی دقتی میان تحریم‌ها و وضعیت فقر افراد دشوار است، اما زمان‌بندی تغییرات فقر به شدت بر وجود چنین رابطه‌ای دلالت دارند.

معمولاً فقر در ابتدا با استقرار اولیه یک آستانه درآمد یا مخارج خوراک یا اجتماعی که افراد زیر آن فقیر در نظر گرفته می‌شوند اندازه‌گیری می‌شود. ایران خطوط فقر رسمی خود را منتشر نمی‌کند زیرا نظام تأمین اجتماعی آن بر داده‌های درآمدی مبتنی نیست؛ به همین دلیل در این مقاله از مجموعه‌ای از خطوط فقر مبتنی بر روش‌شناسی خاصی استفاده می‌کنیم که برای مناطق روستایی و شهری هر استان پیشنهاد شده‌اند.<sup>۱</sup> مخارج سرانه در قیمت‌های سال ۲۰۱۹ ارائه و براساس تفاوت‌های هزینه زندگی تعدیل شده‌اند. خط فقر ۵,۵۰ دلار (برحسب داده‌های برابری قدرت خرید) که بانک جهانی برای کشورهای با درآمد متوسط رو به بالا پیشنهاد کرده، برای برآورد درصد افراد زیر این آستانه استفاده شده است.<sup>۲</sup> بدیهی است که انتخاب هر خط فقر خاص برای سطح فقر برآورد شده اهمیت دارد، اما در شناسایی روند آن که هدف اصلی این پژوهش است تأثیری نخواهد داشت. ممکن است آستانه ۵,۵۰ دلاری برای برخی محققان بسیار پایین باشد، اما استفاده از آستانه‌های بالاتر نیز الگوهای مشاهده شده را تغییر نمی‌دهد. نمودار ۳ نرخ‌های فقر را برای سه دهه گذشته (۲۰۱۹-۱۹۸۴) برای شهر تهران، سایر مناطق شهری و مناطق روستایی نشان می‌دهد. جدول ۱۲ در بخش پیوست، داده‌های ارائه شده برای ترسیم این نمودار را ارائه کرده است. از آنجا که این داده‌ها برای هزینه‌های زندگی بالاتر در تهران و سایر شهرها تعدیل شده‌اند الزاماً مناطق روستایی که ارزش اسمی درآمدهایشان پایین‌تر است نرخ فقر

<sup>۱</sup> روش پژوهش توسط راولیون ۱۹۹۲ پیشنهاد شده است که صالحی اصفهانی و هاشمی (۲۰۰۷) آن را اجرا کرده‌اند، یک مقاله پژوهشی، دانشکده اقتصاد، ویرجینیا تک.

<sup>۲</sup> نتایج به دست آمده به طور کلی با نتایج صالحی اصفهانی (۲۰۱۷)، فقر و نابرابری درآمد در جمهوری اسلامی ایران *Revue internationale des 'etudes du d'veloppement* (1), 113-136

و یکی از پژوهش‌های بانک جهانی که در آن روش مشابهی برای برآورد خطوط فقر ایران استفاده شده است سازگاری دارند: Atamanov, A., M.-H. Mostafavi, D. Salehi-Isfahani, and T. Vishwanath (2016). Constructing robust poverty trends in the Islamic Republic of Iran: 2008-14. Technical report, Policy Research Working Paper 7836, The World Bank.

بالا تر از مناطق شهری نخواهند داشت. با گذشت زمان با افزایش درصد جمعیت شهرنشین، فقر در شهرها رواج بیشتری پیدا کرده است. در سال ۲۰۱۹ از میان ۱۰ میلیون فردی که در این محاسبات به عنوان فقیر شناسایی شده‌اند، ۴,۸ میلیون نفر در مناطق روستایی، ۴,۴ میلیون نفر در مناطق شهری و کمتر از ۱ میلیون نفر در تهران زندگی می‌کردند.

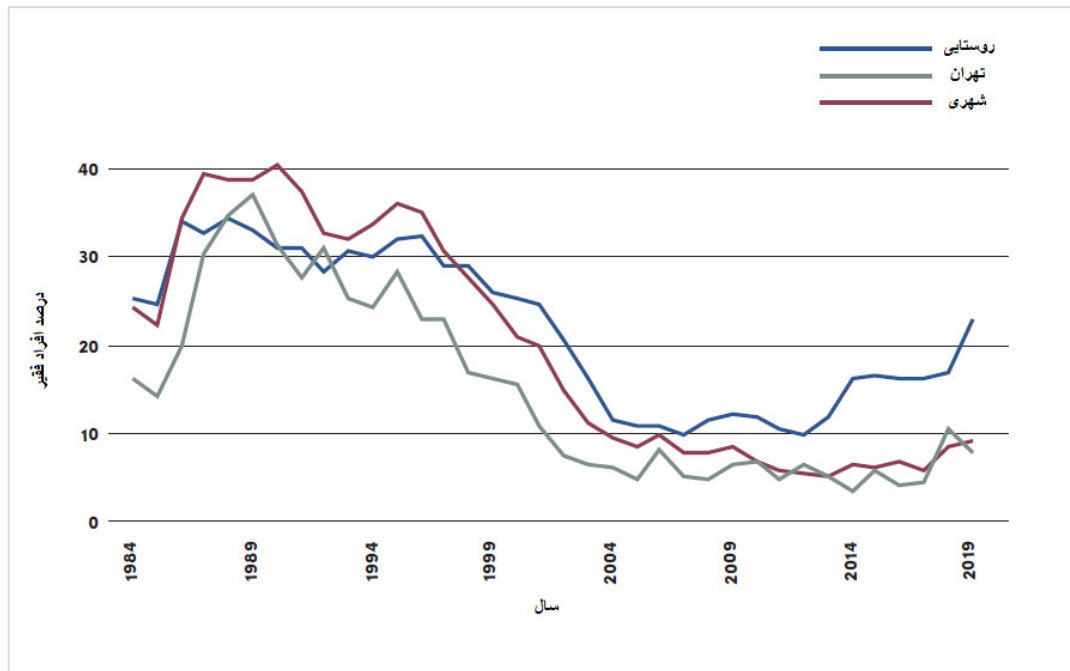
در هر سه منطقه مورد اشاره، نرخ‌های فقر مسیر صعود و نزول استانداردهای متوسط زندگی در نمودار ۲ را دنبال می‌کنند. همانطور که انتظار داریم فقر در مناطق روستایی بالاتر و پرنوسان‌تر از مناطق شهری و تهران است. تمام مناطق طی سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۰ که درآمدهای نفتی بالا و در حال صعود بود کاهش نرخ‌های فقر را تجربه کرده‌اند. نرخ‌های فقر تا سال ۲۰۱۲ که ارزش پول ایران تحت فشار تحریم‌های اوپاما فروپاشید به نسبت ثابت و پایین بود و پس از آن روند صعودی در پیش گرفت. تاثیر برنامه اعطای یارانه در سال ۲۰۱۰ توسط دولت احمدی‌نژاد با کاهش نرخ فقر در سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۲ به‌رغم تشدید تحریم‌ها قابل مشاهده است.<sup>۱</sup> پس از سال ۲۰۱۲ تمام نرخ‌های فقر روندی صعودی را در پیش گرفتند، درحالی‌که نرخ فقر مناطق روستایی سریع‌تر از مناطق دیگر رشد می‌کرد. عمیق‌تر شدن بحران اقتصادی پس از کمپین «فشار حداکثری» دولت ترامپ نیز از روند صعودی سریع نرخ‌های فقر در سراسر این کشور از ۸,۱ درصد در سال ۲۰۱۷ به ۱۲,۱ درصد در سال ۲۰۱۹ قابل مشاهده است. افزایش ۴ درصدی به معنای آن است که ۳,۲ میلیون نفر دیگر از مردم ایران در عرض دو سال به زیر خط فقر سقوط کردند.<sup>۲</sup> طی ۴۰ سال، نرخ‌های فقر تنها دو مرتبه پیش از این افزایش یافته بود: در اواسط دهه ۱۹۸۰ در نتیجه تخریب ناشی از جنگ با عراق و در اواسط دهه ۱۹۹۰ که برنامه بازسازی دوران پس از جنگ به کساد انجامید. روشن‌ترین دلیل افزایش سریع‌تر فقر در مناطق روستایی پس از سال ۲۰۱۲ تشدید بحران اقتصادی به دلیل تشدید تحریم‌ها بود.

همانند کاهش مصرف که در بالا بررسی شد، عوامل دیگری مانند خشکسالی و سیاست دولت نیز احتمالاً در عمیق‌تر شدن فقر مناطق روستایی سهم داشتند. اگرچه تحریم‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۲ چندان شدید نبودند، از آنجا که درآمدهای نفتی ایران همانند دو سال پیش از آن کاهش نداشتند، اما معرفی برنامه اعطای یارانه به خانوارها، نقش بزرگی در محدود ساختن فقر مناطق روستایی داشت. دولت روحانی نیز می‌توانست به‌رغم وضعیت وخیم‌تر بودجه چنین برنامه‌ای را انجام دهد. کاهش یارانه‌های انرژی (و حتی مالیات‌گیری از انرژی) معمولاً نوع ترقی‌خواه درآمدزایی است. این دولت در ابتدا گزینه جایگزینی یارانه‌ها با نوع دیگری از یارانه‌ها را انتخاب نکرد، زیرا به لحاظ ایدئولوژیک مخالف کمک‌های مالی نقدی بود. بنابراین زمانی که قیمت بنزین را در سال ۲۰۱۸ افزایش داد این افزایش قیمت را با اعطای یارانه جبران نکرد؛ اما پس از اعتراضات خشونت‌بار خیابانی مجبور به انجام این کار شد.

<sup>۱</sup> Salehi-Isfahani 2014. "The reform of energy subsidies in Iran: from promise to disappointment." *Economic Research Forum, Policy Perspective* (13).

<sup>۲</sup> جدول ۱۲ در پیوست‌ها.

### نمودار ۳. نرخ‌های فقر پیش از افزایش در سال ۲۰۱۴ به مدت بیست سال کاهش پیدا کردند.<sup>۱</sup>



منبع: محاسبات مولف با استفاده از داده‌های خرد پیمایش مخارج و درآمد خانوارها.

### ۱-۳. طبقه متوسط

بحران اقتصادی اثر نامطلوبی نه تنها بر رفاه فقرا داشته، بلکه همه افراد را در سراسر طیف توزیع درآمد تحت تأثیر قرار داده است. درحالی‌که تعداد افراد زیرخط فقر یا نزدیک به خط فقر به این دلیل که کمترین توانایی را برای کنار آمدن با کاهش درآمد خود دارند، از اهمیت برخوردار است، با این حال اندازه گروه‌های درآمدی متوسط نیز شایان توجه است. از یک جهت، فقرا واجد شرایط دریافت انواع مختلفی از کمک‌های دولتی شناخته می‌شوند درحالی‌که گروه‌های درآمدی متوسط واجد چنین شرایطی نیستند و تنها باید به منبع درآمد خود متکی باشند. گروه‌هایی که در سطوح پایین‌تر «طبقه متوسط» قرار دارند به حد کافی با خط فقر فاصله ندارند تا در صورت تعمیق بحران مالی، وضعیت فعلی خود را حفظ کنند. از همین رو به اندازه فقرا آسیب‌پذیرند و در شرایط اقتصادی رو به وخامت به محافظت اجتماعی نیاز دارند. نگرانی اصلی در مورد وضعیت «طبقه متوسط» یعنی افرادی که به حد کافی بالاتر از خط فقر قرار دارند که با ریسک فقیر شدن مواجه نشوند، آسیبی است که به پیشرفت اجتماعی و اقتصادی بلندمدت‌تر آن‌ها وارد می‌شود. طبقه متوسط معمولاً نیروی محرکه اصلی توسعه اجتماعی و اقتصادی است زیرا اندازه آن با بسیاری از نشانگرهای رشد اقتصادی مانند آموزش، سلامت و زیرساخت‌های بهتر و عوامل مرتبط به دموکراسی مانند رشد فراگیر، حکمرانی خوب و ثبات سیاسی مرتبط است.<sup>۲</sup> این طبقه که از دغدغه روزانه بقای صرف و تأمین خورد و خوراک خانواده خود رهاست، به جای

<sup>۱</sup> نرخ‌های فقر درصد افرادی را نشان می‌دهند که مخارج سرانه واقعی آنها کمتر از خط فقر بین‌المللی ۵٫۵۰ دلاری برای کشورهای با درآمد متوسط رو به بالا است. مخارج واقعی براساس شاخص قیمت مصرف‌کننده روستایی و شهری که مرکز آمار ایران ارائه کرده است و با استفاده از ضرایب وزنی محاسبه شده از خطوط فقر روستایی و شهری هریک از استان‌ها به لحاظ ویژگی‌های مکانی تعدیل شده‌اند.

<sup>۲</sup> Banerjee and Duflo, 2008; Madland, 2011; Easterly, 2001.

حمایت از سیاست‌های حاصل جمع صفر [منظور سیاست‌هایی است که اثری بر رشد اشتغال یا درآمد ندارند] به ایجاد نهادهایی علاقه‌مند می‌شود که مروج حکمرانی خوب و رشد اقتصادی هستند و به مشارکت بیشتر در اقتصاد جهانی به عنوان ابزاری برای دستیابی به این اهداف باور پیدا می‌کند.<sup>۱</sup>

سنجش اندازه طبقه متوسط همانند فقرا به تعیین آستانه‌های درآمد و مخارج نیاز دارد. این مقاله از آستانه‌هایی که معمولاً در اقتصاد توسعه برای تعریف طبقه متوسط به عنوان افرادی که درآمد (یا مخارج) آنها دو برابر خط فقر است (۱۱ دلار برای هر فرد در هر روز بر حسب دلارهای برابری قدرت خرید برای ایران) استفاده می‌کند.<sup>۲</sup> سایر گروه‌های درآمدی نیز به روش مشابهی تعریف می‌شود: افرادی که مابین خط فقر و طبقه متوسط قرار دارند طبقه متوسط رو به پایین و افرادی که درآمد یا مخارج آنها بالاتر از ۵۵ دلار باشد (دو برابر خط فقر) طبقه متوسط رو به بالا تعریف می‌شوند. از آنجا که اقبال و ثروتمند ایران در فضای نمونه پیمایش مخارج و درآمد خانوارها پدیدار نمی‌شوند، بالاترین گروه درآمدی همان طبقه متوسط رو به بالا خواهد بود. در اینجا نیز بار دیگر مخارج سرانه را در تمام استان‌ها برحسب تفاوت‌های هزینه زندگی میان مناطق روستایی و شهری تعدیل می‌کنیم.

نمودار ۴، تحول سهم این چهار گروه درآمدی را نشان می‌دهد. طبقه متوسط بزرگ‌ترین گروه است و سهمش در جمعیت ایران از یک سوم در دهه ۱۹۹۰ به ۶۰ درصد در دهه ۲۰۰۰ افزایش یافته است. طی این دوره، سهم اقبال فقیر از یک سوم جمعیت به کمتر از ده درصد سقوط کرد. سهم گروه‌هایی که به عنوان طبقه متوسط رو به بالا و رو به پایین دسته‌بندی شده‌اند با گذشت زمان تغییر چندانی ندارد و به همین دلیل، ویژگی برجسته تغییرات اجتماعی در ایران طی دو دهه پیش از اعمال تحریم‌ها، افزایش سهم طبقه متوسط بود. این وضعیت، نتیجه سرمایه‌گذاری دولتی بزرگ در زیرساخت‌های سلامت و آموزش در دهه ۱۹۹۰ و عمدتاً در مناطق روستایی و افزایش قیمت نفت در دهه ۲۰۰۰ و تصمیم میلیون‌ها خانواده‌ای بود که این خدمات را از دولت درخواست و منابع خود را نیز روی آموزش و سلامت کودکان سرمایه‌گذاری می‌کردند.<sup>۳</sup> اقدامات دولتی و خصوصی، نقش مهمی را در بیرون کشیدن میلیون‌ها نفر از خط فقر و صعود آنها به طبقه متوسط داشته است. با این حال، از زمان تشدید تحریم‌ها در سال ۲۰۱۱ سهم طبقه متوسط به میزان ۱۰ درصد کاهش یافته و از ۵۸.۴ درصد در سال ۲۰۱۱ به ۴۸.۸ درصد در سال ۲۰۱۹ رسیده است که به معنای هشت میلیون نفر کمتر از رقمی است که در صورت ثابت ماندن سهم طبقه متوسط می‌توان انتظار داشت.

طبقه متوسط ایران به خوبی آموزش دیده است: نزدیک به ۵۰ درصد از اعضای آن در خانوارهایی زندگی می‌کنند که سرپرست خانواده فارغ‌التحصیل دبیرستان یا مقاطع تحصیلی بالاتر است. همانند سایر مناطق جهان، این طبقه ستون فقرات توسعه اقتصادی و اصلاحات اجتماعی و سیاسی بوده است. این طبقه نقش اصلی را در پیروزی رئیس‌جمهورهای اصلاح‌طلب و میانه‌رو در انتخابات یعنی محمد خاتمی (۱۹۹۷-۲۰۰۵) و حسن روحانی (۲۰۱۳ تاکنون) داشته است که

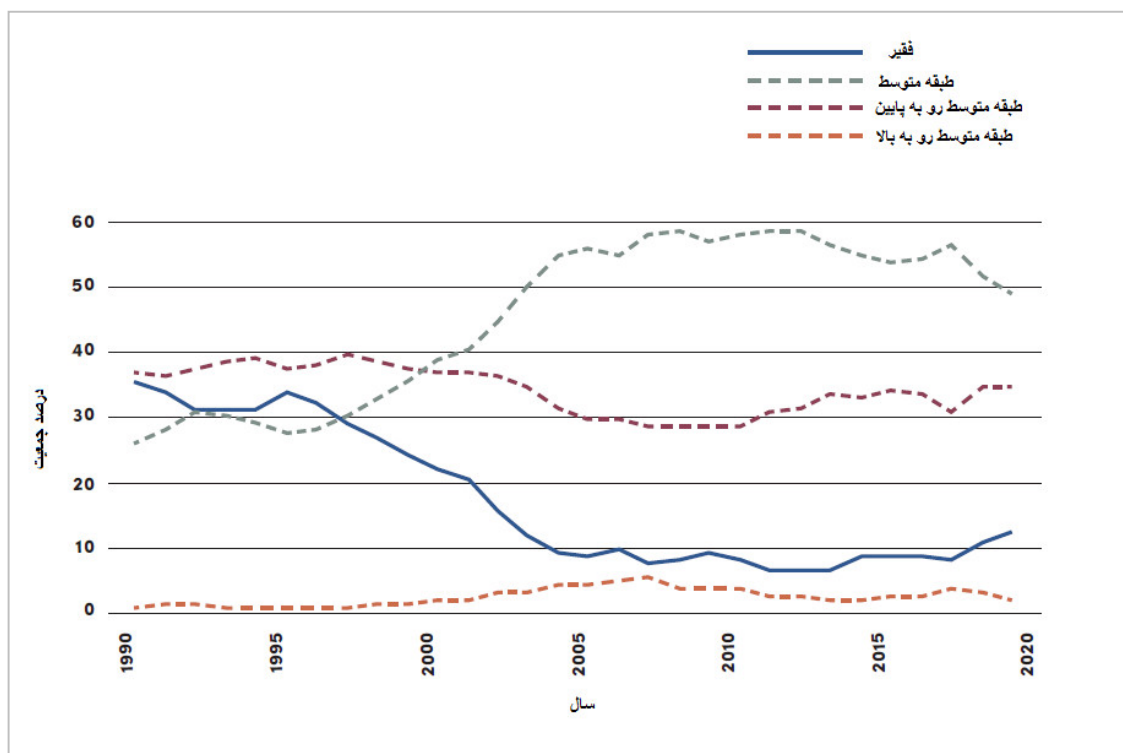
<sup>۱</sup> Homi Kharas, *How a Growing Global Middle Class Could Save the World's Economy*. Brookings Institution, July 5, 2016.

<sup>۲</sup> بَنرَجی و دوفلو (مرجع اشاره شده) در مورد ایران خط فقری دو برابر این مقدار یعنی ۱۱ دلار برحسب برابری قدرت خرید را پیشنهاد کردند، بردسال (۲۰۱۵) نیز از ۱۰ دلار برابری قدرت خرید به عنوان کف طبقه متوسط استفاده کرده است.

<sup>۳</sup> Salehi-Isfahani, 2016.

هر دوی آنها طرفدار اصلاحات اقتصادی لیبرال و به دنبال ادغام بیشتر با اقتصاد جهانی بودند. به طور منصفانه می‌توان چنین استدلال کرد که بحران اقتصادی تشدید شده با تحریم‌ها صرف‌نظر از ایجاد سختی‌های فراوان، احتمال اجرای اصلاحات سیاسی و اقتصادی را به شدت کاهش داده است و پتانسیل ایفای نقش ایران در آینده به عنوان نیروی اعتدال‌گر در یک منطقه پرتلاطم و جامعه جهانی را به شدت تضعیف کرده است.

#### نمودار ۴. سیر تحول طبقات درآمدی مختلف، ۲۰۱۹-۲۰۰۰



منبع: محاسبات مولف.

#### ۴-۱. مصرف مواد غذایی و استانداردهای زندگی

شوک‌های منفی بزرگ اقتصاد کلان، نگرانی‌هایی را در مورد گرسنگی، کاهش مصرف مواد غذایی و تغذیه فقیرترین خانوارها ایجاد می‌کنند. کاهش درآمد، سهم مواد غذایی را در مصرف کل افزایش می‌دهد تا زمانی که هیچ فضایی برای جایگزینی مخارج غیرغذایی با مخارج غذایی باقی نمی‌ماند. در نتیجه، سهم خوراک در کل مخارج، عامل پیش‌بینی‌کننده مناسبی برای وضعیت فقر است.<sup>۱</sup>

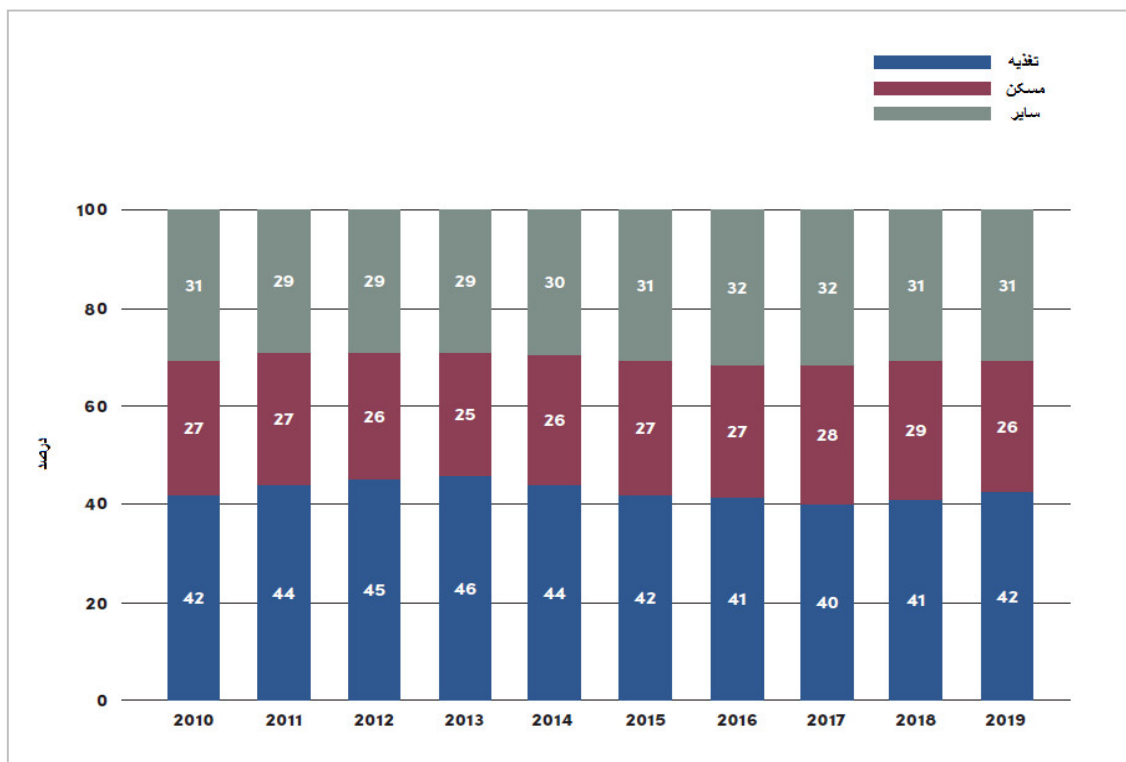
ایران تعدیلاتی را در راستای [مخارج] ضروریات مشاهده کرده است. سهم ترکیبی غذا و مسکن - که گروه‌های مخارج اصلی ضروری محسوب می‌شوند - از ۵۲ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۵۷ درصد در سال ۲۰۱۹ افزایش یافت، درحالی‌که بیشتر این افزایش طی سه سال اخیر رخ داد. جالب‌توجه اینکه، تغییر یکسانی برای پنجک پایینی ایجاد نشده است. نمودار ۵ نشان می‌دهد که سهم خوراک و مسکن برای فقیرترین پنجک (به ترتیب ۴۲ درصد و ۲۶ درصد) بالاتر از

<sup>۱</sup> پریچت و اسپیواک ۲۰۱۳. فقرا معمولاً بالاتر از ۴۰ درصد از درآمد خود را صرف مواد غذایی می‌کنند.



میانگین ملی بوده، اما با گذشت زمان بدون تغییر باقی مانده است. سهم مخارج مواد غذایی به تنهایی که مطابق معیار پیشنهادی پریچت<sup>۱</sup> با درآمد سرانه همبستگی دارد، در سال ۱۹۸۸ که قطعا بدترین سال اقتصادی ایران پس از پایان جنگ با عراق به حساب می‌آید، نسبت به کل کشور پایین‌تر بوده است (۴۵ درصد). سهم مخارج مواد غذایی کل کشور در سال ۲۰۱۹ در حدود ۳۰ درصد از مخارج کل بود که نشان می‌دهد هر چقدر وضعیت امروز بد باشد، تغذیه نسبت به سه دهه پیش، همچنان سهم کوچک‌تری از بودجه خانواده‌های متوسط را به خود اختصاص می‌دهد. به‌رغم رشد سریع قیمت مواد غذایی، سهم مواد غذایی در حدود یک سوم از مخارج کل باقی مانده است.

نمودار ۵. سهم مواد غذایی، مسکن و سایر مخارج برای پایین‌ترین پنجک درآمدی



منبع: محاسبات مولف از داده‌های پیمایش مخارج و درآمد خانوارها.

## ۱-۵. اثر کوید ۱۹

پیدایش همه‌گیری در فوریه سال ۲۰۲۰ مشکلات اقتصادی را به شدت وخیم‌تر کرده است. برخلاف تحریم‌ها که در ابتدا درآمدهای نفتی را تحت تاثیر قرار داد و سپس بخش‌های گسترده‌تر اقتصاد را نیز در بر گرفت، کووید ۱۹ طیف وسیعی از صنایع مختلف را تحت تاثیر قرار داد. فاصله‌گذاری اجتماعی، تقاضای بسیاری از کسب‌وکارها را کاهش داد و تعطیلی آنها و بسته شدن مرزها با کشورهای همسایه که بیشتر صادرات کسب‌وکارهای این کشور برای فرار از

<sup>۱</sup> Pritchett



تحریم‌های تجاری و انتقالات بین‌المللی پول به سمت آنها سرازیر می‌شد را به دنبال داشت. دستیابی به داده‌های مربوط به اثرات کووید ۱۹ بسیار دشوار است، اما در داده‌های پیمایش مخارج و درآمد، نزدیک به یک ماه از مخارج خانوارها در شرایط همه‌گیری در پایان سال ایرانی گردآوری شده است. شیوع همه‌گیری در ابتدا در ۱۹ فوریه در قم اعلام شد و از این شهر به سایر استان‌ها گسترش پیدا کرد. دولت در مقابل اجرای قوانین قرنطینه مقاومت کرد، در حالی که مسافرت‌های نوروزی این ویروس را به مناطق تفریحی گیلان برد.<sup>۱</sup> گسترش این بیماری در پیمایش مخارج و درآمد سال ۲۰۱۹ منعکس شده است، زیرا یک ماه اسفند (۱۹ فوریه تا ۲۰ مارس ۲۰۲۰) را پوشش می‌دهد. کاهش مخارج سرانه واقعی در این ماه در میان سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ بسیار شدیدتر از کل سال بود (۳۷,۶ درصد در مناطق روستایی و ۳۱,۷ درصد در مناطق شهری در مقایسه با ۱۲,۵ و ۱۱,۴ درصد). استان‌های گیلان و قم ضربه به مراتب سخت‌تری را در ماه مارس متحمل شدند زیرا همه‌گیری از ووهان چین ابتدا به این استان‌ها وارد شد.<sup>۲</sup> در گیلان، مخارج واقعی در آخرین ماه سال (تعدیل شده برحسب شاخص قیمت مصرف‌کننده) به میزان ۲۷,۳ درصد در مناطق شهری و ۳۹,۹ درصد در مناطق روستایی کاهش یافت؛ در حالی که در کل این سال کاهش مخارج شهری و روستایی به ترتیب ۱۲,۳ و ۹,۴ درصد بود. در استان عمده‌ترین شهری قم، مخارج واقعی شهری به ۴۵,۵ درصد سقوط کرد درحالی‌که مخارج روستایی تنها ۲,۸ درصد کاهش یافت.

## ۱-۶. فاصله‌گذاری اجتماعی

همانطور که پیش از این اشاره کردیم طی اولین موج از تحریم‌های ایالات متحده در سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۱۱ نرخ فقر کاهش یافت، بنابراین چه عاملی می‌تواند افزایش نرخ فقر را در دومین مرحله تحریم‌ها توضیح دهد؟ شکی نیست که طی اولین موج تحریم‌ها معرفی برنامه اعطای یارانه در زمان ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد عامل اصلی کاهش فقر بوده است.<sup>۳</sup> هدف این برنامه، که به آن اصلاحات یارانه‌های هدفمند<sup>۴</sup> گفته می‌شود، جایگزینی یارانه‌های سنگین انرژی با پرداخت‌های مستقیم وجه نقد است که هر ماه به حساب‌های اختصاصی خانوارها واریز می‌شد. مبلغ این یارانه‌ها در سال ۲۰۱۱ که اولین سال پرداخت این یارانه‌ها است، در حدود ۲۲ درصد از متوسط درآمد بود، اما ارزش آنها در سال ۲۰۱۹ تنها به ۵ درصد رسید.<sup>۵</sup> اقبال فقیر بهره به مراتب بیشتری را از این کمک‌های مالی ماهانه بردند، اما تورم بالا که به کاهش ارزش واقعی یارانه‌ها انجامید، مزایای این یارانه‌ها را برای آنها به سرعت کاهش داد. جدول ۱ سهم یارانه‌های نقدی برای پنج گروه درآمدی را با گذشت زمان نشان می‌دهد و مشخص می‌سازد که ارزش این یارانه‌ها برای پایین‌ترین پنجگ در سال‌های اولیه برابر با ۴۰ درصد از درآمدها بوده است، اما به تدریج کاهش یافت و به ۱۵ درصد رسید.

<sup>۱</sup> Salehi-Isfahani, "The Coronavirus Is Iran's Perfect Storm," Foreign Affairs, March 18, 2020.

<sup>۲</sup> همان مرجع.

<sup>۳</sup> Atamanov, Mostafavi, Salehi-Isfahani and Vishwanath 2016.

<sup>۴</sup> Targeted Subsidy Reform

<sup>۵</sup> Salehi-Isfahani 2014.



جدول ۱. سهم یارانه‌های نقدی ماهانه در درآمد به ازای هر پنجک از مخارج سرانه (برحسب درصد)

سال	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۲۰۱۱	۳۸,۲	۲۲,۰	۱۶,۱	۱۱,۴	۶,۶	۱۸,۹
۲۰۱۲	۴۱,۳	۲۴,۵	۱۷,۶	۱۲,۷	۷,۱	۲۰,۶
۲۰۱۳	۳۵,۱	۲۰,۶	۱۵,۰	۱۰,۸	۵,۹	۱۷,۵
۲۰۱۴	۳۰,۱	۱۶,۲	۱۱,۶	۸,۲	۴,۴	۱۴,۱
۲۰۱۵	۲۶,۸	۱۴,۸	۱۰,۶	۷,۴	۳,۸	۱۲,۷
۲۰۱۶	۲۴,۹	۱۳,۶	۹,۶	۶,۶	۳,۲	۱۱,۶
۲۰۱۷	۲۲,۷	۱۲,۱	۸,۳	۵,۶	۲,۶	۱۰,۳
۲۰۱۸	۱۸,۷	۱۰,۲	۷,۳	۴,۹	۲,۲	۸,۷
۲۰۱۹	۱۴,۹	۷,۹	۵,۶	۳,۷	۱,۷	۶,۸

منبع: محاسبات مولف از داده‌های خرد پیمایش مخارج و درآمد خانوارها.

سایر یارانه‌های نقدی رسمی نیز که عمدتاً از سوی وزارت رفاه و کمیته امداد امام خمینی پرداخت می‌شود، بخش بزرگی از کمک‌های دولتی را تشکیل می‌دادند. کمک‌های مالی رسمی به اقشار فقیر در پیمایش مخارج و درآمد خانوار تحت عنوان «کمک هزینه و پرداخت‌های انتقالی نهادهای اجتماعی و خیریه‌ها» به صورت یکجا محاسبه شده‌اند. می‌توان فرض کرد که این کمک‌های نقدی، پرداخت‌های رفاهی هستند، زیرا برای فقیرترین پنجک و برای خانواده‌هایی که سرپرستان زنان یا مردان کهنسال هستند، این هزینه‌ها به صورت نامتناسبی بالا است. جدول ۲، منابع درآمد افراد در ۲۰ درصد پایین طیف درآمدی را نشان می‌دهد که یارانه‌ها را نیز دریافت می‌کردند. این جدول به وضوح مشخص می‌سازد که پرداخت‌های رفاهی برای جلوگیری از کاهش ۱۶ درصدی میانگین درآمد سرانه آنها ناکافی بود (از ۲۳۸ دلار برحسب برابری قدرت خرید در سال ۲۰۱۷ به ۲۰۰ دلار در سال ۲۰۱۹). طی این دوره، پرداخت‌های رفاهی این گروه (چه در قالب وجه نقد یا سایر انتقالات) به میزان ۴۰ درصد کاهش یافت. کاهش قابل توجه «سایر انتقالات» از ۳۵,۴ دلار (برحسب برابری قدرت خرید) در سال ۲۰۱۸ به ۱۹,۸ دلار در سال ۲۰۱۹ نیز شاهد دیگری بر کاهش توانایی دولت برای محافظت از اقشار فقیر است؛ زیرا کمپین «فشار حداکثری» ترامپ تاثیر مخرب خود را بر جای گذاشت.

جدول ۲. منابع درآمد اقشار فقیر (دلار ایالات متحده به ازای هر فرد در هر ماه)<sup>۱</sup>

سال	کل درآمد	دستمزد	خوداشتغالی	سایر درآمدها	سایر پرداخت‌های انتقالی	یارانه‌های نقدی
۲۰۰۹	۱۸۲	۵۳	۲۹	۶۹	۳۲	موجود نیست
۲۰۱۰	۱۷۷	۵۳	۳۳	۶۰	۳۱	موجود نیست
۲۰۱۱	۲۶۴	۴۰	۲۴	۱۱۲	۲۴	۶۵
۲۰۱۲	۲۷۲	۳۶	۲۵	۱۱۸	۲۲	۷۲
۲۰۱۳	۲۴۹	۳۶	۲۴	۱۰۸	۲۱	۶۰
۲۰۱۴	۲۲۰	۴۰	۱۹	۹۶	۱۹	۴۶
۲۰۱۵	۲۲۸	۴۴	۲۲	۹۹	۲۲	۴۱
۲۰۱۶	۲۲۵	۴۵	۲۵	۹۵	۲۲	۲۸
۲۰۱۷	۲۳۸	۴۵	۲۸	۹۸	۲۷	۴۰
۲۰۱۸	۲۱۵	۴۳	۲۴	۸۵	۳۵	۲۸
۲۰۱۹	۲۰۰	۵۷	۳۴	۶۹	۲۰	۲۰

منبع: محاسبات مولف از داده‌های خرد پیمایش مخارج و درآمد خانوارها.

مقایسه ثروت فقرا در سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۲ و ۲۰۱۸-۲۰۱۹ هم تغییر سیاست از دولت احمدی‌نژاد به دولت نتولیرال حسن روحانی و هم محدودیت‌های مالی شدیدتر در دوره دوم را منعکس می‌کند. در حالیکه در سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۲ پرداخت‌های انتقالی رسمی دو برابر درآمد دستمزدی دریافت‌کنندگان پرداخت‌های رفاهی در پایین‌ترین پنجگ توزیع درآمد بود، در سال ۲۰۱۹ ارزش این انتقالات تنها به ۷۰ درصد از درآمد دستمزدی آنها می‌رسید. نکته مهم‌تر این است که با کاهش انتقالات و «سایر درآمدها» (غالباً از سوی بازنشستگی و اجاره) در سال ۲۰۱۹ دستمزدها و درآمدهای خوداشتغالی افزایش پیدا کردند (به جدول ۲ رجوع کنید) که این مسئله شدت سقوط درآمد کلی این گروه از دریافت‌کنندگان پرداخت‌های رفاهی را کاهش می‌دهد.

### ۱-۷. توزیع درآمد

اثر تحریم‌ها بر نابرابری درآمدی، به اندازه اثر آنها بر فقر سرراست نبوده است. ایران به طور کلی در زمینه مبارزه با فقر موفق بوده است، اما در مورد کاهش نابرابری درآمد عملکرد موفقیت‌آمیزی نداشته است. البته، این وضعیت به هیچ وجه تعجب‌آور نیست، زیرا توزیع سرمایه انسانی و بنابراین درآمد نیروی کار نابرابر است.<sup>۲</sup> علاوه بر این، ایرانی‌ها درآمد ناشی از رانت نفت را دریافت می‌کنند؛ برخی از طریق واریز مستقیم وجه نقد و یارانه و برخی دیگر از طریق دسترسی به قراردادهای دولتی و اعتبارات یارانه‌ای. مکانیزم‌های توزیع درآمد پیچیده‌اند، اما دستکم در دو مجرای مذکور، افراد

<sup>۱</sup> افراد در پایین‌ترین پنجگ، مبالغ مثبتی را تحت عنوان «کمک هزینه و پرداخت‌های انتقالی رسمی» گزارش کرده‌اند. نقطه برابری قدرت خرید ریال سال ۲۰۱۹ توسط بانک جهانی در نرخ ۲۲۰۷۵ ریال به ازای ۱ دلار برآورد شده است.

<sup>۲</sup> Salehi-Isfahani, Belhaj-Hassine, and Assaad 2014; Assaad, Salehi-Isfahani, and Hendy.

متصل سیاسی برتری نسبی به دیگران دارند. این مسئله پیش از انقلاب نیز صادق بود و تا به امروز نیز همچنان ادامه دارد.<sup>۱</sup> نابرابری در دسترسی سیاسی، نابرابری در درآمد ناشی از رانت نفت را ایجاد می‌کند. اندازه‌گیری نابرابری در مقایسه با فقر، کمتر بحث‌برانگیز است؛ زیرا همانند انتخاب خط فقر هیچ گاه بر اساس انتخاب اختیاری انجام نمی‌شود. با این حال، اندازه‌گیری نابرابری دقت کمتری در مقایسه با آن دارد، به این دلیل که داده‌های پیمایش‌ها برای درآمدهای بالا کمتر از درآمدهای پایین قابل‌اتکا هستند. این مشکل، یکی از مسائل کاملاً شناخته شده‌ای است که بیشتر پیمایش‌های خانوارها را تحت تاثیر قرار می‌دهد.<sup>۲</sup> در سال ۲۰۱۹، بالاترین درآمد ماهانه ثبت شده در پیمایش‌های مخارج و درآمد خانوارها ۶۸ میلیون تومان بود (که با استفاده از نرخ ارز بازار آزاد کمتر از ۸۰۰۰ دلار می‌شود، اما با استفاده از نرخ برابری قدرت خرید، ۳۰۰۰۰ دلار می‌شود). بسیاری از ثروتمندان ایران به حد کافی املاک و مستغلات دارند و تنها در قالب درآمد حاصل از اجاره بیش از این مقدار را کسب می‌کنند. فقدان اطلاعات لازم در مورد گزارش‌دهی درآمدها کمتر از میزان واقعی آنها، بحث نابرابری درآمد را به شدت غیرقابل‌اتکا می‌سازد، اما معیارهای استاندارد به صورت یکنواخت برای کشورهای مختلف به کار می‌روند و در گذر زمان می‌توانند با ایجاد امکان مقایسه‌های زمانی و مکانی مختلف بسیار آموزنده باشند.

نمودار ۶ مسیر چهار معیار نابرابری درآمد را نشان می‌دهد: شاخص جینی [ضریب جینی] استاندارد، نسبت درآمدها در دهک‌های سقف و کف؛ دو معیار آنتروپی<sup>۳</sup>، شامل شاخص تیل<sup>۴</sup> که رفتاری بسیار مشابه شاخص جینی و شاخص GE(۲) که نسبت به تغییرات درآمد دهک بالا بسیار حساس‌تر است. تمام این معیارها نابرابری بسیار زیادی را در بیشتر این سال‌ها نشان می‌دهند به نحوی که شاخص جینی در بیشتر سال‌ها بالاتر از ۰,۴۰ است. این معیارها همچنین افزایش نابرابری را از زمان تشدید تحریم‌ها نشان می‌دهند، اگرچه رابطه مستقیمی را نمی‌توان میان آنها تعیین کرد.

<sup>۱</sup> Salehi-Isfahani, 1989.

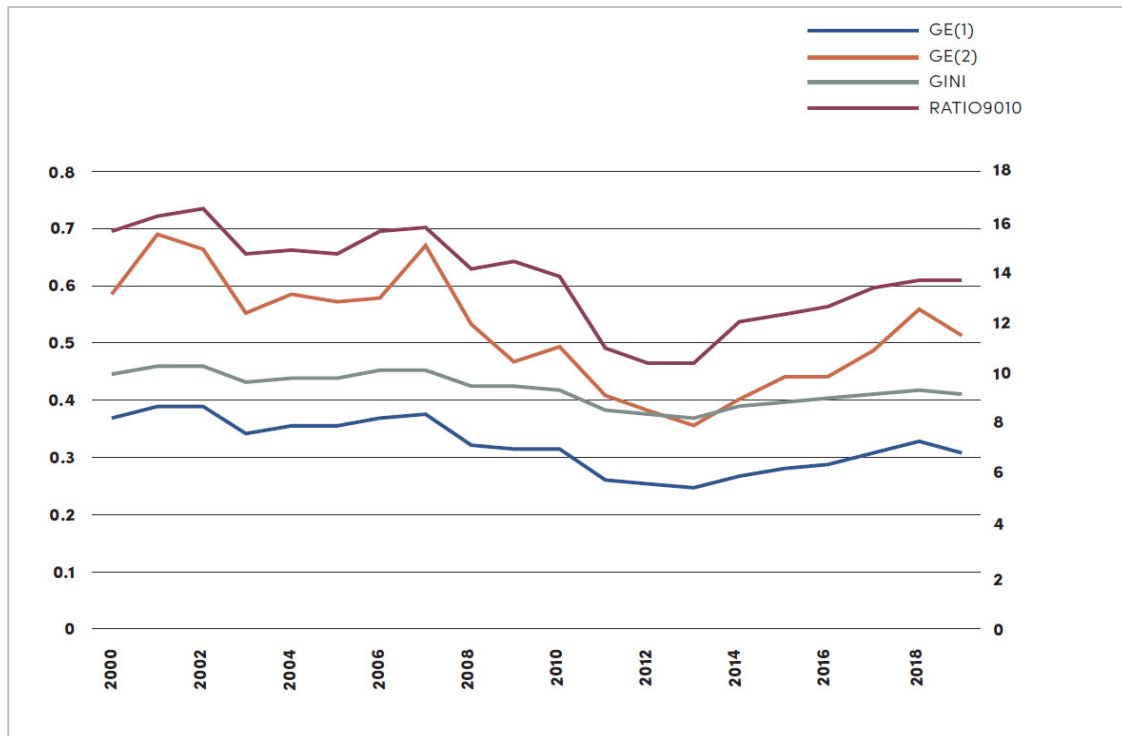
<sup>۲</sup> Atkinson, Piketty, and Saez 2011.

<sup>۳</sup> Entropy Measures

<sup>۴</sup> Theil Index

منظور این است که خانوارها معمولاً درآمد خود را کمتر از میزان واقعی گزارش می‌کنند.

## نمودار ۶. شاخص‌های نابرابری، ۲۰۱۹-۲۰۰۰



منبع: داده‌های خرد پیمایش مخارج و درآمد خانوارها، مرکز آمار ایران

## ۸-۱. بیمه سلامت

دسترسی به بیمه سلامت شاخص مهمی در تشخیص آسیب‌پذیری در بحران اقتصادی است. افراد فاقد بیمه سلامت، در معرض ریسک شوک‌های سلامت هستند که می‌تواند آنها را در فقر غرق کند. در اینجا از داده‌های مخارج موجود در پیمایش مخارج و درآمد خانوارها برای شناسایی افرادی که به چنین بیمه‌هایی دسترسی دارند استفاده می‌کنیم. اگر خانوارها در این پیمایش، مخارجی را برای بیمه سلامت گزارش کنند تمام اعضای آن خانواده به عنوان افراد دارای دسترسی به بیمه علامت‌گذاری می‌شوند.

سهم افراد دارای بیمه (به صورت افراد عضو خانواده‌ای که در آن دستکم یکی از اعضا از بیمه برخوردار است) با گذشت زمان افزایش یافته است (جدول ۳). بر اساس این تعریف، در حدود ۹۱ درصد از ساکنین مناطق روستایی و ۷۵ درصد از مناطق شهری به بیمه دسترسی دارند. بیشتر بیمه‌ها به صورت دولتی ارائه می‌شوند یا یارانه‌ای هستند. تنها در حدود ۶ درصد از ساکنین مناطق روستایی و ۲۱ درصد از ساکنین مناطق شهری از بیمه‌های خصوصی خریداری شده برخوردارند. به همین دلیل است که در جدول ۴ سهم افراد دارای بیمه در پایین‌ترین پنجک (۸۳،۴-۶۵،۶ درصد) سریع‌تر از بالاترین پنجک (۷۳،۵-۶۵) رشد کرده است.

<sup>۱</sup> شاخص‌های جینی و GE در محور سمت چپ، نسبت ۹۰/۱۰ در محور سمت راست.

جدول ۳. سهم افراد دارای بیمه سلامت

تهران	شهری	روستایی	سال
۶۳,۲	۵۴,۳	۸۵,۵	۲۰۱۰
۶۴,۹	۵۶,۱	۸۶,۵	۲۰۱۱
۶۶,۸	۵۸,۷	۸۸,۲	۲۰۱۲
۶۸,۴	۶۰,۴	۸۸,۷	۲۰۱۳
۶۹,۵	۶۲,۲	۸۸,۲	۲۰۱۴
۷۷,۰	۷۲,۰	۹۰,۳	۲۰۱۵
۷۹,۰	۷۴,۶	۹۱,۱	۲۰۱۶
۷۸,۶	۷۴,۲	۹۱,۴	۲۰۱۷
۷۷,۷	۷۳,۳	۹۰,۷	۲۰۱۸
۷۸,۷	۷۴,۷	۹۱,۱	۲۰۱۹

منبع: محاسبات مولف از داده‌های خرد پیمایش مخارج و درآمد خانوارها.

جدول ۴. بیمه به ازای هر پنجک از مخارج سرانه (برحسب درصد)

مجموع	۵	۴	۳	۲	۱	سال
۶۳,۲	۶۵,۰	۶۲,۱	۶۲,۹	۶۰,۶	۶۵,۶	۲۰۱۰
۶۴,۹	۶۵,۸	۶۶,۶	۶۴,۶	۶۱,۸	۶۶,۰	۲۰۱۱
۶۶,۸	۶۶,۶	۶۸,۴	۶۶,۹	۶۴,۷	۶۷,۴	۲۰۱۲
۶۸,۴	۶۸,۸	۶۹,۹	۶۷,۹	۶۵,۷	۶۹,۷	۲۰۱۳
۶۹,۵	۷۰,۳	۶۸,۳	۶۸,۷	۶۷,۵	۷۲,۵	۲۰۱۴
۷۷,۰	۷۲,۶	۷۶,۶	۷۸,۰	۷۶,۷	۸۱,۰	۲۰۱۵
۷۹,۰	۷۱,۵	۷۸,۴	۷۹,۷	۸۰,۵	۸۵,۱	۲۰۱۶
۷۸,۶	۷۲,۷	۷۶,۹	۷۷,۵	۸۰,۴	۸۵,۴	۲۰۱۷
۷۷,۷	۷۲,۰	۷۸,۴	۷۸,۴	۷۸,۴	۸۱,۲	۲۰۱۸
۷۸,۷	۷۳,۵	۷۸,۴	۸۰,۰	۷۸,۴	۸۳,۴	۲۰۱۹

منبع: محاسبات مولف از داده‌های پیمایش مخارج و درآمدهای خانوارها.

### ۹-۱. سقوط به زیر خط فقر ۲۰۱۸-۲۰۱۹

پیمایش‌های مخارج و درآمد خانوار پانل‌های دوره‌ای متناوبی هستند و به همین دلیل فرصتی را برای تحلیل حرکت افراد در میان گروه‌های درآمدی مختلف فراهم می‌کنند. برای تحلیل جابه‌جایی افراد به زیر خط فقر یا خروج آنها از خط فقر در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ که فشار اقتصادی در شدیدترین حالت خود بود، از یکی از این جداول که از خانواده‌های مصاحبه شده در این سال‌ها تشکیل شده و ساختار آن طی این مدت تغییر نکرده استفاده می‌کنیم.

برآوردهای ورود و خروج افراد از فقر در جدول ۵ ارائه شده است که در آن فقیر بودن با استفاده از خطوط فقر مطلق که در بالا معرفی شد، تعریف شده است. اکثریت افراد فقیر و غیرفقیر در فضای نمونه‌ای متوازن شده سال ۲۰۱۸، در سال ۲۰۱۹ نیز در جایگاه خود باقی ماندند، اما ۲۹۷۶ نفری که در سال ۲۰۱۸ فقیر به حساب نمی‌آمدند در سال ۲۰۱۹ خود را در دسته فقرا مشاهده کردند. تعداد افرادی که در جهت عکس این مسیر حرکت کرده‌اند به مراتب کمتر بود: ۱۴۴۹ نفری که در سال ۲۰۱۸ فقیر به حساب می‌آمدند توانستند در سال ۲۰۱۹ از فقر فرار کنند. در مجموع، در سال ۲۰۱۹ نسبت به سال ۲۰۱۸ عملاً ۱۵۲۷ نفر به جمعیت فقیر اضافه شد. این نتیجه با افزایش نرخ فقر مشاهده شده در نمودار ۳ و جدول ۱۲ در بخش پیوست‌ها نیز سازگار است.

جدول ۵. انتقال به زیر خط فقر، ۲۰۱۸-۲۰۱۹

مجموع	فقیر	غیرفقیر	۲۰۱۹ ←
			۲۰۱۸ ↓
۳۶۹۵۵۵	۲۹۷۶	۳۳۹۷۹	غیرفقیر
۱۰۰,۰۰	۸,۰۵	۹۱,۹۵	%
۴۱۲۶	۲۶۷۷	۱۴۴۹	فقیر
۱۰۰,۰۰	۶۴,۸۸	۳۵,۱۲	%

منبع: محاسبات مولف از داده‌های پیمایش مخارج و درآمد خانوارها.

### ۱-۱۰. تحلیل پروبیت<sup>۱</sup> سقوط به زیر خط فقر

افزایش کلی فقر در ایران طی سال‌های اخیر و به ویژه، وضعیت بد جمعیت روستایی به شدت مورد توجه بوده است، اما فقر صرفاً به مناطق روستایی محدود نمی‌شود و در مناطق شهری نیز به همان اندازه مناطق روستایی افراد فقیر وجود دارند (بیش از ۵ میلیون نفر). اگر خط فقر صرفاً مسئله جغرافیایی نباشد، باید این سوال را مطرح کرد که صرف‌نظر از مکان چه ویژگی‌های دیگری می‌تواند افراد را در خطر سقوط به زیر خط فقر قرار دهد. برای پاسخ به این سوال در این مقاله از پانل داده‌های خانوارها در سال‌های ۲۰۱۸-۲۰۱۹ برای برآورد احتمال سقوط افراد به طبقه افراد فقیر (یعنی قرار داشتن در بالای خط فقر در سال ۲۰۱۹ و سقوط به زیر خط فقر پس از سال ۲۰۱۹) به صورت تابعی از مکان (روستایی، شهری و استان) و ویژگی‌های خاص خانوارها مانند سن، جنسیت و تحصیلات سرپرست خانوار، اندازه خانوار و مخارج سرانه آن استفاده می‌کنیم. برای برآورد احتمال فقیر بودن در سال ۲۰۱۹ به شرط فقیر نبودن در سال ۲۰۱۸، از تابع پروبیت ساده استفاده می‌کنیم. نتایج این محاسبات که در جدول ۶ ارائه شده است بینش‌های جالب‌توجهی را در این زمینه به دست می‌دهد.

<sup>۱</sup> PROBIT ANALYSIS

منظور تحلیل احتمالی است؛ مثلاً تحلیل احتمال اینکه یک خانوار در یک منطقه جغرافیایی یا گروه درآمدی خاص برود زیر خط فقر.

شاید مهم‌ترین نکته این باشد که در بازه ۲۰۱۸-۲۰۱۹ به شرط ویژگی‌های خاص خانوارها، احتمال سقوط ساکنین مناطق شهری به زیر خط فقر بیشتر از ساکنین روستایی باشد که این یافته باید برای سازمان‌های رفاهی ایران، ارزش خاصی داشته باشد. این نتیجه با نتایجی که در نمودار ۳ مشاهده کردیم -ریسک بالاتر ساکنین مناطق روستایی برای سقوط به زیر خط فقر طی سال‌های اخیر- در تناقض نیست. تفاوت این دو نتیجه را تغییرات ویژگی‌های افراد در مناطق روستایی و شهری می‌تواند توضیح دهد. در تحلیل پروبیت تعدادی از این ویژگی‌ها ثابت فرض شده‌اند. به همین دلیل در این تحلیل احتمال سقوط به زیر خط فقر فردی که در خانواده‌ای با سطح درآمد متوسط زندگی می‌کند، سرپرست خانواده تحصیلات متوسطی دارد و از سایر ویژگی‌های خانواده‌های متوسط برخوردار است و در عین حال در مناطق شهری زندگی می‌کند، با احتمال فردی که با ویژگی‌های یکسان در مناطق روستایی زندگی می‌کند مقایسه می‌شود. این احتمالات که می‌توان آنها را با استفاده از ضرایب گزارش شده در جدول ۶ برآورد کرد، پیش‌بینی می‌کنند که به شرط ثابت بودن شرایط خانوارها، احتمال سقوط به زیر خط فقر فردی که در منطقه شهری زندگی می‌کند در سال ۲۰۱۹ در حدود دو و نیم برابر بیشتر از فردی است که با شرایط مشابه در روستا زندگی می‌کند (۱،۴ درصد در مقابل ۱،۶ درصد).<sup>۱</sup>

جدول ۶. تحلیل پروبیت عوامل مرتبط به سقوط به زیر خط فقر ۲۰۱۸-۲۰۱۹

(۲) با معیارهای کنترل استانی	(۱) بدون معیارهای کنترل استانی	
***۰,۳۹ (۰.۰۰)	***۰,۳۳ (۰.۰۰)	شهری
***۰,۱۴ (۰.۰۰)	***۰,۰۹ (۰.۰۰)	سرپرست زن
***-۱,۲۵ (۰.۰۰)	***-۱,۰۶ (۰.۰۰)	Log rpce
***-۰,۱۷ (۰.۰۰)	***-۰,۲۶ (۰.۰۰)	بیمه
<b>گروه سنی سرپرست خانواده</b>		
***-۰,۲۵ (۰.۰۰)	***-۰,۱۹ (۰.۰۰)	(دسته مرجع ۲۹-۱۵) ۳۰-۳۹
***-۰,۳۱ (۰.۰۰)	***-۰,۲۲ (۰.۰۰)	۴۰-۴۹
***-۰,۴۲ (۰.۰۰)	***-۰,۳۶ (۰.۰۰)	۵۰-۵۹
***-۰,۵۲ (۰.۰۰)	***-۰,۴۰ (۰.۰۰)	۶۰+

<sup>۱</sup> این جدول ضرایب برآورد شده تابع پروبیت را گزارش می‌کند که مسیر تغییرات را نشان می‌دهند، اما احتمال سقوط به زیر خط فقر را اندازه‌گیری نمی‌کنند. این احتمالات با استفاده از این ضرایب و دستور «مقادیر نهایی» در برنامه علوم آماری و داده‌ای SATA محاسبه شده‌اند. برای برآورد این احتمالات مقادیر تمام متغیرهای دیگر برابر مقدار میانگین آنها یا سایر مقادیر اشاره شده در متن تعیین شده است.

تحصیلات سرپرست		
***-۰,۳۴ (۰,۰۰)	***-۰,۲۸ (۰,۰۰)	(دسته مرجع بی سواد) ابتدایی
***-۰,۷۳ (۰,۰۰)	***-۰,۶۰ (۰,۰۰)	راهنمایی
***-۰,۵۰ (۰,۰۰)	***-۰,۴۶ (۰,۰۰)	دبیرستان
***-۰,۹۰ (۰,۰۰)	***-۰,۸۸ (۰,۰۰)	دانشگاه
اندازه خانوار		
***۰,۲۷ (۰,۰۰)	***۰,۲۶ (۰,۰۰)	(دسته مرجع ۲-۱) ۳
***۰,۷۰ (۰,۰۰)	***۰,۶۳ (۰,۰۰)	۴
***۱,۰۵ (۰,۰۰)	***۰,۸۹ (۰,۰۰)	+۷
۰,۲۴۳	۰,۱۸۵	شبه R
۳۵,۱۸۴	۳۵,۱۸۴	مشاهدات

اعداد انحراف معیار در پرانتز ارائه شده‌اند.

\*\*\*  $p < 0.01$ , \*\*  $p < 0.05$ , \*  $p < 0.10$ .

## ۱-۱۱. رفاه خانوار

زندگی در خانواده‌ای با سرپرست زن، خطر سقوط به زیر خط فقر را به میزان ۳۷ درصد افزایش می‌دهد (در سال ۲۰۱۹، در حدود ۸ درصد از افراد در چنین خانواده‌هایی زندگی می‌کردند). می‌توان پیش‌بینی کرد که بیمه سلامت این ریسک را به میزان ۳۵ درصد کاهش دهد. همچنین، می‌توان پیش‌بینی نمود که تحصیلات نیز عامل تعیین‌کننده مهم دیگری باشد. افرادی که در خانوارهایی زندگی می‌کنند که سرپرستشان تحصیلاتی بالاتر از دیپلم دبیرستان دارند، با ریسک کمتر از ۰,۱ درصد مواجه هستند؛ در حالی که احتمال سقوط به زیر خط فقر اعضای خانواده‌هایی با سرپرست بی‌سواد (در حدود ۱۵ درصد از افراد در چنین خانواده‌هایی زندگی می‌کردند) در حدود ۷,۲ درصد است. افرادی که در خانواده‌های بزرگ‌تر زندگی می‌کردند، با ریسک فقیر شدن بالاتری مواجه بودند، اما این ریسک با سن سرپرست خانوار کاهش می‌یابد. زندگی در خانوارهایی که سرپرستان آنها افراد مسن‌تری هستند احتمال فقیر شدن را کاهش می‌دهد. مسن‌ترین گروه (+۶۰) کمترین احتمال (۲,۳ درصد) فقیر شدن را در مقایسه با جوان‌ترین گروه سنی (۱۵-۲۹) (با احتمال ۱۲ درصد) داشتند.



ضرایب متغیرهای دائمی استان نشان می‌دهند که اثرات محل زندگی بر احتمال سقوط به زیر خط فقر فراتر از تقسیمات روستایی و شهری گسترش پیدا می‌کند.<sup>۱</sup> برای مثال در صورت ثابت بودن تمام شرایط دیگر، احتمال سقوط به زیر خط فقر هر سکنه تهران که برخوردارترین استان است، سه برابر بیشتر از هر فرد مشابه در استان سیستان یعنی محروم‌ترین استان این کشور خواهد بود. شاید علت این باشد که در استان سیستان برخلاف استان تهران ویژگی‌هایی که فرد را فقیر می‌سازند با عوامل تعیین‌کننده سقوط فرد به زیر خط فقر یکسان هستند. این مسئله به معنای آن است که در استان سیستان افراد غیرفقیر در مقایسه با افراد غیرفقیر تهران در معرض ریسک فقیر شدن کمتری قرار دارند. درسی که از این نکته می‌توان فراگرفت این است که به‌رغم نرخ فقر به مراتب کمتر مناطق مرفه‌تری مانند تهران، ساکنین آنها با ریسک فقیر شدن بیشتری مواجه هستند. به بیان ساده‌تر، مکان سکونت عامل پیش‌بینی‌کننده مناسبی برای آسیب‌پذیری افراد در برابر بحران اقتصادی نیست.

## ۲. اشتغال

به‌رغم اهمیت اعطای یارانه‌های نقدی، همچنان منبع اصلی درآمد بیشتر ایرانیان اشتغال است. در سال ۲۰۱۹ سهم درآمد حاصل از کارمزد و حقوق<sup>۲</sup> و خوداشتغالی در حدود ۵۳,۳ درصد درآمدهای خانوارهای روستایی و ۴۷ درصد درآمد خانوارهای شهری را تشکیل می‌داد. منابع اصلی درآمد غیردستمزدی، حقوق بازنشستگی و یارانه‌های نقدی به انواع مختلف و اجاره‌بها هستند. درآمد حاصل از حقوق اشتغال بسیار مهم‌تر از خوداشتغالی است و ۶۳ درصد از کل حقوق افراد کشور را تشکیل می‌دهد. این ویژگی نشان می‌دهد که کاهش اشتغال یا دستمزدها تاثیر منفی قوی بر درآمدهای خانواده‌های متوسط خواهد داشت. بنابراین برای درک بهتر نحوه انتقال شوک منفی تحریم‌ها به بودجه خانوارها باید درک کنیم که طی این فرآیند چه بر سر اشتغال آمده است. بررسی روندهای زیر نشان می‌دهد که اشتغال در مقایسه با درآمد و مصرف باثبات‌تر بوده است.

### ۲-۱. روندهای اشتغال

طی سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۱۰ با تشدید تحریم‌ها، تولید ناخالص داخلی و میانگین درآمد خانوارها کاهش پیدا کرد؛ اما اشتغال به رشد خود، البته با سرعت بسیار آهسته، ادامه داد. اشتغال در تمام بخش‌ها در سال ۲۰۱۸ به مراتب بالاتر از سال ۲۰۱۱ بود که تحریم‌ها برای اولین بار تشدید شدند. نمودار ۷ داده‌های سه ماهه‌ای که مرکز آمار ایران منتشر کرده است را نشان می‌دهد و با توجه به آن می‌توان مشاهده کرد که رقم کل اشتغال از ۲۰ میلیون در سال ۲۰۱۱ به ۲۷ میلیون در سال ۲۰۱۹ افزایش یافته است که افزایش ۲,۱ درصدی در سال را نشان می‌دهد.<sup>۳</sup> این نرخ رشد از نرخ رشد ۱,۱ درصد در سال جمعیت در سن اشتغال اصلی (۲۵-۲۰)، بیشتر بود. بیشتر این افزایش در بخش خدمات رخ داده است که نرخ رشد ۲,۷ درصدی داشت و پس از آن بخش‌های صنعت و کشاورزی قرار دارند که هر یک نرخ رشد ۱,۵

<sup>۱</sup> برای صرفه‌جویی در فضا ضرایب ۳۱ استان در این جدول گزارش نشده‌اند.

<sup>۲</sup> Wage and salary work

<sup>۳</sup> برای مشاهده داده‌های مرتبط با این شکل، به جدول ۱۹ در بخش بیوست‌ها رجوع کنید.

درصدی داشته‌اند. با این حال، افزایش اشتغال نتوانست بر کاهش ارزش واقعی دستمزدها غلبه کند و به همین دلیل است که فقر به‌رغم افزایش اشتغال، افزایش یافته است.

**اشتغال در واکنش به تحریم‌ها افزایش یافت اما همه‌گیری ضربه‌سختی به آن وارد کرد.**

نمودار ۷: روندهای اشتغال در بخش‌های اصلی<sup>۱</sup>



منبع: پیمایش نیروی کار.

این وضعیت در سال ۱۳۹۹ (۲۰۲۰/۲۰۲۱) که تاثیر منفی اولیه کووید بر اشتغال آشکار شد ادامه پیدا نکرد. در بهار سال ۲۰۲۰ اقتصاد ۱,۴ میلیون شغل را از دست داد که بیشتر آنها در بخش خدمات بود و دو میلیون نفر بازار کار را ترک کردند. داده‌های منتشر شده، نرخ بیکاری سه ماهه پایین‌تری را در این سال (۹,۸ درصد) نسبت به سال پیشین (۱۰,۹ درصد) نشان می‌دهند که حاصل نیروی کار کمتر است. طی دومین سه ماهه (۲۰ ژوئن تا ۲۰ سپتامبر) روند نزولی متوقف شده است؛ زیرا ایرانی‌ها به‌رغم شیوع گسترده همه‌گیری به سر کار بازگشتند. اشتغال و نیروی کار در این سه ماهه هر دو بیشتر از سه ماهه پیشین بود، اما همچنان در سطوح بسیار کمتر از ارقام سه ماهه یکسان در سال گذشته قرار داشتند. کووید برخلاف تحریم‌ها، تاثیر منفی بزرگی بر اشتغال بر جای گذاشت.

<sup>۱</sup> عدد استفاده شده در هر سه ماهه.

## ۲-۲. روندهای دستمزدهای واقعی

دستمزدها نقش دوگانه‌ای در هر اقتصادی دارند، هم به عنوان منبع درآمد و هم به عنوان بزرگ‌ترین هزینه تولید عمل می‌کنند. افزایش قابل توجه دستمزدهای واقعی در ایران طی دهه ۲۰۰۰ بسیاری از افراد را از فقر خارج کرد، اما از آنجا که افزایش دستمزد نتیجه بهره‌وری بالاتر نبود، قدرت رقابت تولید محلی را کاهش داد. هر دو پدیده در تاریخچه دستمزدهای سه دهه پرتلاطم گذشته قابل مشاهده هستند. نمودار ۸ و جدول ۱۶ در بخش پیوست، دستمزدهای واقعی سه منطقه مختلف را نشان می‌دهند، درحالی‌که تمام ارقام مربوط به دستمزدها بر اساس شاخص قیمت مصرف‌کننده روستایی و شهری و تفاوت‌های هزینه زندگی تعدیل شده‌اند. در هر سه منطقه، دستمزدهای واقعی تا سال ۲۰۰۸ در حال افزایش بودند، اما با سقوط سریع قیمت نفت به دلیل بحران مالی جهانی و رکود اقتصاد ایران، این وضعیت تغییر کرد. این رویداد به سرعت با تشدید تحریم‌ها دنبال شد که به روند طولانی مدت افزایش دستمزدها پایان داد. دستمزدهای واقعی نیز همانند مصرف سرانه در مناطق روستایی با شدت بیشتری سقوط کرد.

نمودار ۸: روندهای دستمزدهای واقعی به ازای هر منطقه<sup>۱</sup>



منبع: مرکز آمار ایران.

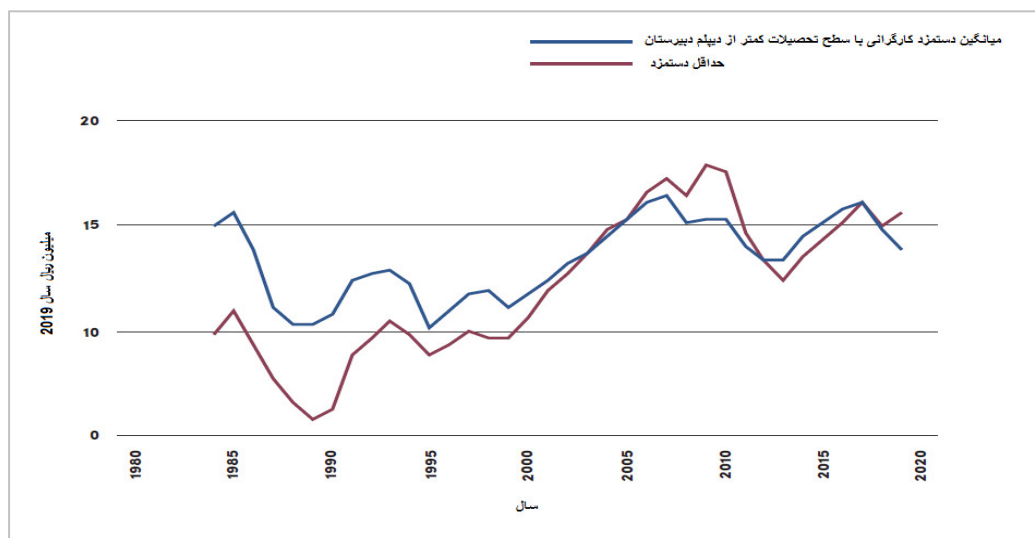
دستمزدها همچنین از نظر ارزش دلاری نیز افزایش پیدا کردند که کاهش تدریجی قابلیت رقابت کالاها و خدمات تولید شده در ایران را نشان می‌دهند. این پدیده، نتیجه مستقیم افزایش قیمت نفت بود که دستمزدها و سایر انواع درآمدها را بدون الزام افزایش بهره‌وری کارگران افزایش داد. در میان سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰ سرعت افزایش میانگین ارزش اسمی دستمزدها بیش از چهار برابر نرخ ارز غیررسمی بود که کالاهای ایرانی را نسبت به کالاهای خارجی گران‌تر می‌ساخت. زمانی که «فشار حداکثری» به فروپاشی ریال در سال ۲۰۱۸ منجر شد، ارزش دلاری دستمزدها با شتاب زیادی سقوط کرد. در سال ۲۰۱۹

<sup>۱</sup> دستمزدها بر اساس شاخص قیمت مصرف‌کننده و تفاوت‌های هزینه زندگی در استان‌های مختلف و مناطق روستایی و شهری تمام استان‌ها تعدیل شده‌اند.

میانگین ارزش دلاری دستمزدها کمتر از نصف ارزش آنها در سال ۲۰۱۷ بود. این کاهش ارزش دلاری دستمزدها بیش از هر عامل دیگری در افزایش متوسط اشتغال که در بالا به آن اشاره کردیم نقش داشت.

سوال نهایی در خصوص دستمزدها این است که آیا دولت از قدرت خود برای تنظیم حداقل دستمزدها در راستای محافظت از دستمزدهای واقعی محروم‌ترین کارگران استفاده کرده است یا خیر. استفاده از حداقل دستمزدها در حکم ابزاری برای تاثیرگذاری بر دستمزدهای اقشار فقیر با دو محدودیت اصلی مواجه است. اولاً اجرای قوانین حداقل دستمزد بسیار دشوار است. در سال ۲۰۱۹ نزدیک به ۴۸ درصد از کارگران گزارش دادند که حقوق ماهیانه آنها کمتر از حداقل دستمزد است. ثانیاً، افزایش حداقل دستمزد می‌تواند تقاضا برای نیروی کار را کاهش دهد. به‌رغم این نکات دولت هر ساله با پوشش گسترده رسانه‌ای و پس از مذاکرات با مجلس و با استفاده از نرخ تورم سال گذشته به عنوان راهنمای خود، حداقل دستمزد سال را اعلام می‌کند. نمودار ۹ مقایسه‌ای میان ارزش واقعی حداقل دستمزد با میانگین دستمزدهای کارگرانی با تحصیلات کمتر از دیپلم متوسطه را نشان می‌دهد که در واقع همان گروهی هستند که به نظر می‌رسد قوانین قصد محافظت از آنها را دارند. دستمزد نشان داده شده در این نمودار ارزش پایه حداقل دستمزد است که در حدود ۲۰-۱۵ درصد کمک هزینه مسکن به آن افزوده می‌شود. حرکت هر دو سری داده‌ها به طور کلی مشابه یکدیگر است. تا اواسط دهه ۲۰۰۰ حداقل دستمزد واقعی کمتر از حداقل دستمزد کارگرانی با تحصیلات کمتر از دیپلم متوسطه بود. به تدریج و به ویژه پس از سال ۲۰۰۰، با افزایش سطح تحصیلات کارگران و تخصیص روزافزون کارگران کم‌سوادتر به وظایف کمتر مولد، سرعت رشد دستمزد واقعی کارگرانی با سطح تحصیلات پایین‌تر آهسته‌تر شد، اما حداقل دستمزد به رشد خود ادامه داد. افزایش قیمت نفت به دولت اجازه داد تا حداقل دستمزد را با سرعت به مراتب بیشتری افزایش دهد و به همین دلیل تا سال ۲۰۰۵ حداقل دستمزد از میانگین دستمزد کارگران کم‌سوادتر فراتر رفت.

#### نمودار ۹: روندهای میانگین دستمزدهای واقعی کارگرانی با تحصیلات و حداقل دستمزد واقعی کمتر



منبع: سری‌های میانگین دستمزد براساس محاسبات خود مولف از داده‌های پیمایش مخارج و درآمد و مرکز آمار ایران حاصل شده‌اند، سری‌های حداقل دستمزد از گزارشات مختلف دولت اخذ شده‌اند.

## ۲-۳. ساختار اشتغال

همانند بیشتر کشورهای با درآمد متوسط رو به بالا، در حدود نیمی از ۲۶ میلیون نفر نیروی کار ایران نیز در بخش خدمات مشغول به کار بودند، در حالی که صنعت و کشاورزی نیز در مجموع نیم دیگر نیروی کار را در خود جای داده بودند. در سال ۲۰۱۹، سهم کشاورزی به ۱۷,۷ درصد، صنعت (شامل معدن، ساختمان‌سازی و امکانات آب و برق و ... به علاوه تولید صنعتی) ۳۲ درصد و خدمات ۵۰,۳ درصد بود (جدول ۷). به نظر می‌رسد انتقال اندک سهم اشتغال طی یک دهه از کشاورزی به سمت خدمات، در تضاد با تغییر توزیع ارزش افزوده در میان این بخش‌ها قرار داشته باشد. به طور کلی، اشتغال در ایران صلبیت به نسبت بالایی دارد و به همین دلیل تاثیر متفاوت تحریم‌ها بر بخش‌های اصلی اقتصاد در مقایسه با اشتغال در بخش تولید صنعتی، کمتر مشهود است. طی سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۱۱ ارزش افزوده هر دو بخش کشاورزی و خدمات که بهتر در برابر تجارت و در نتیجه تحریم‌ها محافظت شده بودند، به ترتیب به میزان ۲۶,۹ درصد و ۲۴,۲ درصد رشد کرد. در مقابل، ارزش افزوده صنعت به میزان ۱۹,۷ درصد کاهش پیدا کرد، اما سهم اشتغال آن عملاً ثابت باقی ماند. بیشتر کاهش ارزش افزوده در بخش صنعت از کاهش تولید نفت برای صادرات ناشی شده بود. تولید بخش‌های نفت و گاز که نیمی از تولید صنعتی کشور در سال ۲۰۱۱ را تشکیل می‌داد، در سال ۲۰۱۹ به میزان ۴۷,۲ درصد کاهش یافت. با این حال، تحریم‌ها تاثیر کمتری بر تولید صنعتی داشتند، زیرا میزان تولید صنعتی در مقایسه با سال ۲۰۱۱ تنها ۱۱,۲ درصد کاهش یافته بود.

جدول ۷: ساختار اشتغال به ازای بخش‌های اصلی (برحسب درصد)

سال	کشاورزی	صنعت	خدمات	مجموع
۲۰۱۰	۱۹,۷۴	۳۳,۰۸	۴۷,۱۸	۱۰۰
۲۰۱۱	۱۹,۰۶	۳۴,۲۵	۴۶,۶۹	۱۰۰
۲۰۱۲	۱۹,۸۴	۳۴,۲۳	۴۵,۹۳	۱۰۰
۲۰۱۳	۱۸,۳۴	۳۴,۲۸	۴۷,۳۸	۱۰۰
۲۰۱۴	۱۷,۹۰	۳۳,۷۶	۴۸,۳۴	۱۰۰
۲۰۱۵	۱۸,۰۳	۳۲,۵۳	۴۹,۴۴	۱۰۰
۲۰۱۶	۱۷,۹۸	۳۱,۸۸	۵۰,۱۴	۱۰۰
۲۰۱۷	۱۷,۵۸	۳۲,۰۴	۵۰,۳۸	۱۰۰
۲۰۱۸	۱۷,۷۰	۳۲,۰۴	۵۰,۲۷	۱۰۰
۲۰۱۹	۱۷,۶۷	۳۲,۰۱	۵۰,۳۰	۱۰۰

منبع: محاسبات مولف از داده‌های پیمایش نیروی کار.

تصویر دقیق‌تری نسبت به ساختار اشتغال را در جدول ۸ می‌توان مشاهده کرد. تنوع اثرات تحریم‌ها بر بخش‌های مختلف، در رفتار واگرایی سهم اشتغال بخش تولید صنعتی در مقایسه با سایر بخش‌های دیگر گروه صنعت، مانند ساختمان‌سازی، قابل مشاهده است. در حالی که سهم ساخت‌وساز در کل اشتغال در سال‌های اولیه این دهه تنها اندکی

کمتر از بخش تولید صنعتی بود (۱۶,۸ درصد صنعت در مقابل ۱۵,۸ درصد ساخت‌وساز)، تا سال ۲۰۱۹ سهم این بخش بسیار کمتر از بخش تولید صنعتی شد (۱۷,۴ درصد صنعت در مقابل ۱۲,۷ درصد ساخت‌وساز). تفاوت در این است که تولید بخش ساختمان‌سازی با کاهش کلی تقاضا کاهش یافت، اما کاهش ارزش واقعی پول ملی به تولید صنعتی کمک کرد و روندی از جایگزینی محصولات داخلی با محصولات خارجی را کلید زد.

جدول ۸: سهم اشتغال به ازای هر بخش (برحسب درصد)

بخش	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹
کشاورزی	۱۹,۳۴	۱۸,۵۹	۱۹,۴۵	۱۷,۸۷	۱۷,۴۱	۱۷,۵۹	۱۷,۵۵	۱۷,۱۶	۱۷,۲۷	۱۷,۲۸
جنگلداری و ماهیگیری	۰,۴۰	۰,۴۷	۰,۳۹	۰,۴۷	۰,۴۹	۰,۴۴	۰,۴۳	۰,۴۲	۰,۴۲	۰,۵۰
معادن	۰,۵۶	۰,۶۷	۰,۶۳	۰,۷۱	۰,۷۵	۰,۷۱	۰,۶۹	۰,۸۱	۰,۸۲	۰,۷۴
تولید صنعتی	۱۷,۵۱	۱۶,۸۴	۱۶,۷۹	۱۶,۹۶	۱۶,۸۴	۱۶,۸۳	۱۶,۹۰	۱۶,۸۵	۱۷,۳۴	۱۷,۴۲
خدمات آب و برق	۰,۹۸	۱,۰۱	۱,۰۶	۱,۱۳	۱,۱۴	۱,۱۲	۱,۱۴	۱,۲۸	۱,۲۸	۱,۳۳
ساختمان‌سازی	۱۴,۰۲	۱۵,۷۴	۱۵,۷۵	۱۵,۴۷	۱۵,۰۳	۱۳,۸۷	۱۳,۱۵	۱۳,۱۰	۱۲,۶۰	۱۲,۴۹
خرده‌فروشی و تعمیر خودرو	۱۶,۰۷	۱۵,۶۰	۱۴,۷۰	۱۴,۱۴	۱۴,۶۳	۱۴,۹۳	۱۵,۵۹	۱۵,۸۴	۱۵,۶۹	۱۵,۵۰
هتل و رستوران	۱,۲۳	۱,۱۷	۱,۱۰	۱,۰۶	۱,۱۷	۱,۳۲	۱,۳۷	۱,۴۶	۱,۵۶	۱,۷۰
امور مالی	۱,۲۱	۱,۱۶	۱,۱۱	۱,۴۷	۱,۵۹	۱,۵۴	۱,۴۱	۱,۳۴	۱,۳۸	۱,۴۳
املاک و مستغلات	۰,۶۰	۰,۵۶	۰,۶۳	۰,۶۹	۰,۶۳	۰,۶۲	۰,۵۹	۰,۶۴	۰,۷۰	۰,۷۶
سایر خدمات دولتی	۱۵,۳۴	۱۵,۸۸	۱۵,۷۸	۱۷,۰۳	۱۶,۸۹	۱۷,۲۸	۱۷,۲۸	۱۷,۲۴	۱۷,۰۵	۱۶,۴۱
سایر خدمات خصوصی	۱۲,۷۴	۱۲,۳۲	۱۲,۶۲	۱۲,۹۸	۱۳,۴۳	۱۳,۷۵	۱۳,۹۰	۱۳,۸۷	۱۳,۹۰	۱۴,۴۴
مجموع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

منبع: محاسبات مولف از داده‌های پیمایش نیروی کار.

سهم بزرگ خدمات، یعنی بخشی که تاثیر مستقیمی از تحریم‌ها پذیرفته است، ثبات اشتغال در مواجهه با تحریم‌ها را نشان می‌دهد. با این حال همه‌گیری تاثیر کاملاً معکوسی داشت چرا که بخش خدمات بیشترین کاهش در اشتغال را متحمل شد. در حالی که تا تابستان سال ۲۰۲۰ از دست رفتن مشاغل در بخش صنعت به ۴۳۰۰۰ شغل محدود شده بود (در حدود ۰,۵ درصد از تمام کارگران صنعتی) در بخش خدمات بیش از ۸۰۰۰۰۰ شغل از بین رفت (۷,۲ درصد).

## ۲-۴. تاثیر پذیری و غیررسمی بودن اشتغال

### ۲-۴-۱. دولتی در مقابل خصوصی

در سال ۲۰۱۹ در حدود ۱۳,۴ درصد از تمام کارگران و ۲۱,۶ درصد از تمام کارگران مزدی و حقوق‌بگیر در بخش دولتی مشغول به کار بودند که به ترتیب نسبت به ۲۲,۷ و ۴۳,۱ درصد در سال ۱۹۹۷ که اشتغال دولتی به اوج خود رسید، کاهش یافته بودند. تعداد کارگران دولت در نزدیکی رقم ۳,۵ میلیون به نسبت ثابت بود. مشاغل بخش دولتی به طور متعارف ایمن‌تر از مشاغل بخش خصوصی یا خوداشتغالی به حساب می‌آیند. با این حال، امنیت شغلی این مشاغل طی دو

دهه اخیر به شدت تغییر کرده است، زیرا به طور فزاینده‌ای تعداد بیشتری از کارکنان دولت برای اجتناب از استخدام رسمی و ثابت به صورت قراردادی و با دوره‌های کمتر از یکسال استخدام می‌شدند. در نتیجه، امنیت شغلی دیگر با اشتغال دولتی تعریف نمی‌شد، بلکه با میزان تحصیلات و میزان رسمی بودن اشتغال تعیین می‌شد. در سال ۲۰۱۹ در حدود ۲۷,۱ درصد از افراد استخدام شده از مدرک دانشگاهی یا بالاتر برخوردار بودند و ۲۹,۵ درصد دیگر نیز دیپلم دبیرستان داشتند. این نسبت‌ها در بخش خصوصی پایین‌تر است زیرا در این بخش سطح تحصیلات ۵۲,۹ درصد از کارگران کمتر از دیپلم بود، ۲۹,۹ درصد تنها دیپلم داشتند و ۱۷,۲ درصد حداقل دارای مدرک دانشگاهی بودند. به احتمال زیاد بخش قابل‌توجهی از افرادی که سطح تحصیلات آنها کمتر از دیپلم بود، کارگران غیررسمی بودند که می‌توان مشاغل آنها را به عنوان مشاغل آسیب‌پذیر در نظر گرفت.

## ۲-۴-۲. غیررسمی بودن

غیررسمی بودن اشتغال چالش‌هایی جدی برای تأمین اجتماعی در مواقع وقوع بحران مالی ایجاد می‌کند. در کشورهای پیشرفته که در آن اکثریت قریب به اتفاق افراد، به صورت رسمی کار می‌کنند و بیمه بیکاری افراد را پوشش می‌دهد، کارگران به صورت خودکار از تاثیر شوک‌های اقتصادی منفی، حداقل برای مدتی، محافظت می‌شوند. حتی پس از ناپدید شدن بیمه بیکاری، این مسئله که وضعیت اشتغال پیشین آنها رسمی بوده است، کمک‌رسانی دولت به آنها را با یارانه‌های درآمدی بسیار آسان‌تر می‌سازد. از سوی دیگر، کارگران غیررسمی فاقد بیمه بیکاری یا حقوق بازنشستگی هستند و به همین دلیل نه تنها در معرض ریسک بیشتری برای سقوط به زیر خط فقر در هنگام وقوع بحران مالی قرار دارند، بلکه دستیابی دولت به آنها برای اعطای یارانه‌های اضافی بسیار دشوارتر است. به همین دلایل، میزان رواج اشتغال غیررسمی در بازار کار یکی از عوامل تعیین‌کننده مهم در شدت وخامت رفاه خانوارها به دنبال وقوع بحران اقتصادی است.

ایران نیز همانند بیشتر کشورهای درحال توسعه سهم خاص خودش را در اشتغال غیررسمی دارد، اما پیمایش‌های نیروی کار کشور شاخص آماده‌ای را برای ارزیابی دامنه گسترش اشتغال غیررسمی به دست نمی‌دهد. در پیمایش نیروی کار، از کارگران سوال نمی‌شود که آیا به صورت قراردادی مشغول به کارند یا به روش‌های دیگری اشتغال آنها در سازمان‌های مربوطه ثبت شده است؛ به همین دلیل معیار دقیقی برای ارزیابی گستره اشتغال غیررسمی وجود ندارد. با این حال، بر اساس برخی ویژگی‌های شغلی گزارش شده می‌توان به برآوردی نسبی در این زمینه دست پیدا کرد. البته، مشخص است که مشاغل بخش دولتی اشتغال رسمی هستند؛ همچنین مشاغلی که مزایایی مانند بیمه سلامت یا بیمه بازنشستگی به کارگران ارائه می‌کنند نیز جزء اشتغال رسمی به حساب می‌آیند. در این پیمایش، اشتغال دولتی و خصوصی از یکدیگر تمییز داده شده است و از کارگران سوال شده است که آیا از طریق کارفرمای خود بیمه سلامت دریافت می‌کنند یا خیر. البته، هیچ سوالی در مورد ثبت‌نام آنها در بیمه بازنشستگی یا برنامه تأمین اجتماعی ملی در این پیمایش وجود ندارد.



در پیمایش یادشده، همچنین بخش محل کار، اشتغال و اندازه تشکیلاتی که هر یک از کارگران در آنها مشغول به کارند گزارش شده است. این ویژگی‌ها بینش‌هایی نسبی در مورد گستره اشتغال غیررسمی به دست می‌دهند. در حدود ۷۴ درصد از کارگران در تشکیلاتی با کمتر از پنج کارگر مشغول به کار بودند که معمولاً در سازمان‌های دولتی ثبت نشده بودند و حتی از پرداخت مالیات‌ها و مقرراتی که آنها را ملزم به ارائه بیمه سلامت و مشارکت در برنامه‌های بازنشستگی کارگران می‌ساخت فرار می‌کردند. در سال ۲۰۱۸ تنها یکی از هر پنج کارگر مشغول در این نوع تشکیلات اقتصادی از طریق کارفرمای خود از پوشش بیمه سلامت بهره‌مند بود که نشانه مناسبی بر این مسئله بود که از هر پنج کارگر فعال در تشکیلات اقتصادی خرد، چهار کارگر به صورت غیررسمی استخدام شده‌اند. در مقابل، ۹۱ درصد از کارگران تشکیلات اقتصادی با بیش از ۵۰ کارگر گزارش دادند که از سوی کارفرما بیمه شده‌اند (جدول ۹). اگر تمام افرادی که از طریق کارفرمای خود بیمه نشده بودند را به عنوان اشتغال غیررسمی در نظر بگیریم در حدود ۷۰ درصد از کارگران در دسته اشتغال غیررسمی قرار می‌گیرند که بسیار بالاتر از ارقامی است که در رسانه‌ها گزارش می‌شوند.<sup>۱</sup>

جدول ۹: درصد کارگران بیمه شده به ازای اندازه بنگاه که برحسب تعداد کارگران آن تعریف می‌شود

سال	۱-۴	۵-۹	۱۰-۱۹	۲۰-۴۹	۵۰+	مجموع
۲۰۱۰	۱۴,۰۵	۳۴,۰۶	۵۸,۱۰	۷۵,۴۳	۸۶,۵۸	۲۴,۴۱
۲۰۱۱	۱۶,۰۳	۳۴,۵۷	۶۰,۲۹	۷۸,۱۵	۸۸,۱۵	۲۶,۰۴
۲۰۱۲	۱۶,۴۷	۳۷,۰۹	۶۰,۲۹	۷۸,۹۷	۸۹,۳۰	۲۶,۲۹
۲۰۱۳	۱۹,۹۹	۴۲,۹۱	۶۳,۷۰	۷۸,۳۳	۸۹,۲۸	۲۹,۳۲
۲۰۱۴	۲۰,۹۹	۴۳,۵۵	۶۵,۱۹	۸۱,۲۰	۹۰,۷۰	۳۱,۱۲
۲۰۱۵	۲۱,۳۶	۴۳,۸۳	۶۴,۵۲	۸۲,۵۸	۹۰,۷۰	۳۱,۵۴
۲۰۱۶	۲۱,۷۵	۴۴,۴۰	۶۶,۳۰	۸۱,۹۳	۹۱,۵۴	۳۱,۳۱
۲۰۱۷	۲۰,۴۸	۴۱,۵۳	۶۷,۴۷	۸۲,۳۵	۹۰,۳۸	۳۰,۳۳
۲۰۱۸	۲۰,۰۰	۴۴,۶۷	۶۳,۷۲	۸۱,۴۶	۹۰,۹۸	۲۹,۸۷

منبع: داده‌های خرد مرکز آمار ایران و پیمایش نیروی کار (۲۰۱۰-۲۰۱۸)

کمترین درصد کارگران بیمه شده در بخش کشاورزی (۸ درصد در سال ۲۰۱۸) و پس از آن ساختمان‌سازی (۲۵ درصد) بودند (جدول ۱۰). در سال ۲۰۱۸، این بخش‌ها روی هم رفته ۳۰ درصد از نیروی کار کشور را تشکیل می‌دادند. بحران اقتصادی که به دنبال اعمال تحریم‌ها در سال‌های اخیر رخ داد، شدیدترین ضربه را به بخش ساختمان‌سازی وارد کرده است، در حالی که حداقل تا به امروز کشاورزی جان سالم به در برده است. بنابراین جای شگفتی ندارد که با توجه به مشاغل (جدول ۱۱) مشخص شود کارگران غیرماهر از کمترین احتمال دریافت پوشش بیمه برخوردارند (۲۱ درصد).

<sup>۱</sup> در گزارشات رسانه‌ها از تحقیقاتی که در مرکز پژوهش‌های مجلس انجام شده است سهم اشتغال غیررسمی ۶۰ درصد است.



نرخ بهره‌مندی از بیمه کارگران در بخش‌های تولید صنعتی و خدمات رسمی (مانند بانکداری) به مراتب بالاتر از بخش‌های دیگر است.

جدول ۱۰: درصد کارگران بیمه شده به ازای هر بخش

بخش	۲۰۱۰		۲۰۱۴		۲۰۱۸	
	سهم در نیروی کار	بیمه شده	سهم در نیروی کار	بیمه شده	سهم در نیروی کار	بیمه شده
کشاورزی	۱۹,۷۴	۴,۴۸	۱۷,۹۰	۸,۵۲	۱۷,۷۰	۸,۲۰
تولید صنعتی	۱۸,۰۷	۴۹,۴۱	۱۷,۵۹	۵۷,۶۸	۱۸,۱۶	۵۲,۵۱
خرده‌فروشی و سایر خدمات	۳۰,۰۴	۲۷,۶۶	۲۹,۲۴	۳۴,۰۱	۳۱,۱۵	۳۰,۴۰
خدمات رسمی	۱۷,۵۳	۸۷,۷۸	۱۹,۶۲	۸۷,۵۷	۱۹,۷۰	۸۳,۹۲
ساختمان‌سازی	۱۴,۰۲	۱۵,۰۱	۱۵,۰۳	۲۲,۴۵	۱۲,۶۰	۲۴,۸۶
املاک و مستغلات	۰,۶۰	۱۴,۰۲	۰,۶۳	۱۷,۳۵	۰,۷۰	۸,۵۱
مجموع	۱۰۰		۱۰۰		۱۰۰	

منبع: مرکز آمار ایران + داده‌های خرد پیمایش نیروی کار (۲۰۱۰-۲۰۱۸)

جدول ۱۱: درصد بیمه شدگان به ازای شغل

شغل	۲۰۱۰		۲۰۱۴		۲۰۱۸	
	سهم در نیروی کار	بیمه شده	سهم در نیروی کار	بیمه شده	سهم در نیروی کار	بیمه شده
نظامی	۲,۳۴	۹۵,۱۴	۲,۱۵	۹۶,۹۰	۲,۰۴	۹۷,۱۳
تخصصی	۱۰,۷۶	۸۰,۴۶	۱۲,۰۰	۸۳,۶۰	۱۴,۱۵	۸۰,۴۷
فنی	۹,۷۶	۷۱,۸۱	۹,۸۹	۷۳,۱۷	۹,۳۵	۶۷,۴۱
کارهای خدماتی	۱۳,۶۰	۲۸,۵۹	۱۲,۷۵	۳۲,۸۹	۱۵,۴۱	۲۹,۲۷
کشاورزی	۱۵,۹۷	۴,۰۹	۱۴,۵۰	۷,۴۹	۱۳,۹۳	۷,۳۸
صنایع دستی	۱۸,۷۰	۲۸,۵۲	۱۹,۱۹	۳۶,۶۱	۱۸,۸۱	۳۲,۵۵
صنعت	۱۲,۴۶	۴۰,۸۸	۱۲,۳۹	۴۹,۸۸	۱۲,۷۵	۴۶,۵۹
غیرماهر	۱۶,۴۱	۲۰,۶۱	۱۷,۱۳	۲۵,۹۷	۱۳,۵۰	۲۱,۴۵
مجموع	۱۰۰		۱۰۰		۱۰۰	

منبع: مرکز آمار ایران + داده‌های خرد پیمایش نیروی کار (۲۰۱۰-۲۰۱۸)

### ۳. نتیجه‌گیری

شکی نیست که تحریم‌های شدید از سال ۲۰۱۱ ضربه بزرگی به اقتصاد ایران وارد کرده است. این تحریم‌ها صادرات نفتی ایران را به کمترین میزان ممکن کاهش دادند و تجارت بین‌المللی این کشور را مختل کردند. بی‌تردید سایر عوامل داخلی و خارجی نیز در رشد اقتصادی بسیار آهسته یک دهه گذشته نقش داشته‌اند. قیمت پایین‌تر نفت از سال ۲۰۱۴ به بعد نیز درآمدهای کشور را بیشتر کاهش داد، در حالی که سوءمدیریت اقتصادی و فساد نیز مانع پاسخ سیاسی مناسب کشور به شوک‌های خارجی شد. با توجه به بزرگی شوک‌های خارجی ناشی از تحریم‌ها، هیچ سیاست خاصی نمی‌توانست از وقوع بحران مالی جلوگیری کند یا افراد عادی ایران را به طور کامل در مقابل از دست دادن استانداردهای زندگی خود محافظت کند. **یکی از نوآوری‌های این مقاله، اندازه‌گیری میزان کاهش استانداردهای زندگی در میان مناطق مختلف و گروه‌های درآمدی متفاوت است.** با این حال، این مقاله قادر به پاسخگویی سؤالاتی از این دست نیست که چه میزان از کاهش استانداردهای زندگی از تحریم‌ها ناشی شده است یا چه سیاست‌هایی بهتر می‌توانستند آسیب وارد شده به خانواده‌های ایرانی را کاهش دهند. یافته‌های اصلی این پژوهش در زمینه استانداردهای زندگی عبارتند از:

- ✓ **اولاً، میانگین مخارج سرانه از زمان تشدید تحریم‌های ایالات متحده در سال ۲۰۱۱ به بعد به شدت کاهش یافته است.** در سال ۲۰۱۹، میزان مخارج سرانه در مقایسه با سال ۲۰۱۰ به میزان ۱۷,۷ درصد کاهش یافت و به سطوح سال ۲۰۰۲ بازگشت.
- ✓ **ثانیاً، کاهش مصرف سرانه نیز توزیع یکسانی نداشته است.** مناطق روستایی بیشترین آسیب را خوردند و پس از آن نیز مناطق شهری به استثنای تهران بیشترین ضرر را متحمل شدند. در مقایسه با سال ۲۰۱۰، میانگین مصرف در مناطق روستایی به میزان ۳۰ درصد، در مناطق شهری به غیر از تهران به میزان ۲۲ درصد کاهش یافت، اما در تهران ۹ درصد افزایش یافت.
- ✓ **ثالثاً، نرخ فقر در هر سه منطقه افزایش یافته است.** تعداد فقرا در سراسر ایران تقریباً دو برابر شده است و از مقدار کمیته ۶,۴ درصد در سال ۲۰۱۲ به ۱۲,۱ درصد در سال ۲۰۱۹ افزایش یافته است؛ یعنی در مقایسه با سال ۲۰۱۲ سطح مخارج چهار میلیون نفر دیگر نیز به زیر خط فقر بین‌المللی ۵,۵۰ دلار در روز (برحسب نقطه برابری قدرت خرید) سقوط کرد. همان‌طور که انتظار داریم مناطق روستایی بالاترین نرخ‌های فقر (۲۲,۹ درصد) را دارند و پس از آن نیز سایر مناطق شهری به غیر از تهران (۸,۸ درصد) و تهران (۷,۵ درصد) قرار گرفته‌اند. نکته قابل‌توجه این است که سیاست اعطای یارانه نقدی دولت که در دوران رئیس‌جمهور سابق محمود احمدی‌نژاد اجرا شد از افزایش نرخ‌های فقر پس از اولین موج تحریم‌ها در سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۲ جلوگیری کرد و حتی به کاهش آنها منجر شد. با این حال، طی دومین مرحله تحریم‌ها در سال ۲۰۱۸-۲۰۱۹ دولت روحانی در زمینه اعطای یارانه، سخاوت کمتری به خرج داد که یکی از دلایل آن، مخالفت ایدئولوژیک این دولت با کمک‌های مالی نقدی و دلیل دیگر آن، کمبود منابع لازم برای انجام این کار بود.

✓ چهارم، برآوردهای پروبیت این پژوهش با استفاده از داده‌های پانلی گردآوری شده در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ دست‌های از ویژگی‌های خانوارها که با سقوط به زیر خط فقر در سال ۲۰۱۹ بیشترین همبستگی را داشتند مشخص می‌سازد. این تحلیل، در برخی الگوهای مشترک سایر مناطق در حال توسعه جهان نیز مشاهده می‌شود؛ یعنی افزایش ریسک فقیر شدن با تعلق به خانواده‌هایی که سرپرست خانواده زن، فردی کم‌سوادتر و پرجمعیت‌تر است را نشان می‌دهد. با این حال، شگفت‌انگیز است که احتمال سقوط به زیر خط فقر ساکنین شهری بیشتر از افرادی با ویژگی‌های مشابه در روستاها بود، اگرچه به طور میانگین نرخ فقر مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری بود.

✓ در نهایت نشان دادیم که اثر بحران اقتصادی بر اشتغال به مراتب ضعیف‌تر از مصرف بود. یکی از دلایل این پدیده این بود که اشتغال در ایران انعطاف‌ناپذیری به نسبت بالایی دارد و واکنش سریعی به کاهش تولید از خود نشان نمی‌دهد. همچنین دلیل دیگر آن بود که دولت به قیمت‌ها اجازه داد افزایش پیدا کند و ارزش پول ملی نیز به سرعت کاهش پیدا کرد که قابلیت رقابت‌پذیری تولید محلی را در بخش‌های تولیدی مشخصی افزایش داد. اگرچه این سیاست، تاب‌آوری اشتغال در برابر شوک تحریم‌ها را به نسبت افزایش داد، اما نتوانست از سقوط درآمدهای واقعی جلوگیری کند زیرا کاهش ارزش پول ملی که به تثبیت اشتغال کمک کرد به کاهش دستمزدهای واقعی نیز انجامید.

## پیوست‌ها

## ۱. نرخ‌های فقر

جدول ۱۲: نرخ‌های فقر

سال	روستایی	شهری	تهران	ایران
۲۰۰۰	۲۵,۳	۲۰,۷	۱۵,۴	۲۱,۶
۲۰۰۱	۲۴,۴	۱۹,۷	۱۰,۸	۲۰,۰
۲۰۰۲	۲۰,۴	۱۴,۶	۷,۴	۱۵,۵
۲۰۰۳	۱۶,۲	۱۱,۱	۶,۲	۱۲,۰
۲۰۰۴	۱۱,۲	۹,۲	۵,۹	۹,۳
۲۰۰۵	۱۰,۷	۸,۴	۴,۷	۸,۶
۲۰۰۶	۱۰,۶	۹,۶	۷,۸	۹,۶
۲۰۰۷	۹,۶	۷,۶	۴,۹	۷,۸
۲۰۰۸	۱۱,۴	۷,۶	۴,۷	۸,۳
۲۰۰۹	۱۲,۱	۸,۲	۶,۲	۹,۰
۲۰۱۰	۱۱,۶	۶,۵	۶,۷	۸,۰
۲۰۱۱	۱۰,۳	۵,۴	۴,۴	۶,۷
۲۰۱۲	۹,۵	۵,۱	۶,۱	۶,۴
۲۰۱۳	۱۱,۵	۴,۸	۴,۸	۶,۷
۲۰۱۴	۱۵,۹	۶,۲	۳,۲	۸,۴
۲۰۱۵	۱۶,۳	۶,۰	۵,۵	۸,۷
۲۰۱۶	۱۶,۱	۶,۵	۴,۰	۸,۷
۲۰۱۷	۱۶,۰	۵,۷	۴,۲	۸,۱
۲۰۱۸	۱۶,۶	۸,۳	۱۰,۳	۱۰,۷
۲۰۱۹	۲۲,۹	۸,۸	۷,۵	۱۲,۱

## ۲. مخارج واقعی تعدیل شده برحسب مکان

جدول ۱۳: مخارج سرانه واقعی، برحسب ارزش ریال در سال ۲۰۱۹ در هر روز (با تعداد مکانی)

سال	روستایی	شهری	تهران	ایران
۱۹۸۴	۲۳۴۱۱۳	۲۶۷۷۳۴	۳۱۶۰۵۸	۲۵۷۸۴۲
۱۹۸۵	۲۳۵۰۰۵	۲۷۸۷۸۹	۳۲۷۴۲۹	۲۶۵۷۶۶
۱۹۸۶	۲۰۷۱۵۰	۲۳۲۱۱۶	۲۷۶۹۲۶	۲۲۶۶۱۶
۱۹۸۷	۲۰۰۵۶۷	۲۱۱۶۰۹	۲۳۴۸۶۹	۲۰۹۷۱۷
۱۹۸۸	۱۸۸۰۵۰	۲۳۰۵۹۲	۲۱۲۸۸۹	۱۹۷۸۳۳
۱۹۸۹	۲۰۰۷۶۰	۲۰۸۹۰۸	۲۱۲۲۰۰	۲۰۵۷۳۲
۱۹۹۰	۲۲۹۸۶۳	۱۸۹۷۸۰	۲۳۰۰۹۷	۲۱۳۰۳۶
۱۹۹۱	۲۳۴۳۴۹	۲۱۰۲۴۱	۲۴۳۱۷۵	۲۲۵۳۸۲
۱۹۹۲	۲۳۵۷۲۱	۲۲۴۷۴۵	۲۴۷۶۱۱	۲۳۲۸۰۰
۱۹۹۳	۲۲۴۳۹۳	۲۲۱۱۷۷	۲۵۰۷۷۸	۲۲۷۰۶۸
۱۹۹۴	۲۲۶۴۲۰	۲۱۴۳۸۹	۲۶۰۴۷۵	۲۲۶۳۱۰
۱۹۹۵	۲۲۱۶۹۱	۲۰۵۷۰۳	۲۵۲۶۳۸	۲۱۹۵۷۵
۱۹۹۶	۲۱۴۹۷۳	۲۰۸۰۹۷	۲۷۲۲۵۰	۲۲۱۰۹۰
۱۹۹۷	۲۲۹۹۸۷	۲۱۹۶۷۷	۲۷۶۶۸۵	۲۳۲۵۳۳
۱۹۹۸	۲۳۸۰۱۶	۲۳۴۷۸۴	۲۹۹۹۵۰	۲۴۶۲۳۲
۱۹۹۹	۲۴۹۱۰۳	۲۵۵۹۴۹	۳۱۶۵۲۹	۲۶۲۸۸۳
۲۰۰۰	۲۴۹۸۱۴	۲۸۱۴۳۵	۳۴۰۵۶۴	۲۷۹۰۶۵
۲۰۰۱	۲۵۰۸۰۲	۲۸۹۲۸۵	۳۷۸۴۱۲	۲۸۹۵۳۰
۲۰۰۲	۲۷۳۰۲۳	۳۱۸۰۲۹	۴۳۳۶۰۴	۳۲۰۵۵۰
۲۰۰۳	۲۹۶۵۶۱	۳۳۶۰۰۲	۴۳۰۱۲۸	۳۳۷۹۹۵
۲۰۰۴	۳۴۴۹۸۱	۳۸۴۳۹۱	۴۴۰۷۹۶	۳۸۰۵۷۵
۲۰۰۵	۳۵۳۳۶۴	۴۰۷۶۱۶	۴۴۷۹۵۹	۳۹۵۴۳۰
۲۰۰۶	۳۵۶۶۱۷	۴۱۰۴۸۶	۴۵۳۶۹۹	۳۹۹۱۷۰
۲۰۰۷	۳۶۶۷۵۵	۴۲۹۸۵۸	۴۹۰۷۷۹	۴۱۸۱۴۶
۲۰۰۸	۳۳۷۴۸۱	۳۹۸۴۰۶	۴۵۹۰۶۶	۳۸۹۹۸۷
۲۰۰۹	۳۳۹۱۷۳	۴۰۲۰۱۸	۴۱۹۰۲۱	۳۸۶۴۷۱
۲۰۱۰	۳۳۸۳۲۴	۴۲۰۲۲۹	۴۰۹۳۶۵	۳۹۴۸۵۱
۲۰۱۱	۳۰۷۳۹۵	۳۸۰۳۵۸	۴۱۸۱۷۰	۳۶۴۷۴۰
۲۰۱۲	۳۰۹۴۰۲	۳۶۷۰۹۵	۴۱۶۸۳۳	۳۵۹۰۸۹

ایران	تهران	شهری	روستایی	سال
۳۴۸۳۴۲	۴۱۱۷۶۸	۳۶۴۵۸۱	۲۸۱۳۳۰	۲۰۱۳
۳۴۳۱۱۵	۴۳۱۰۸۰	۳۵۶۷۷۸	۲۶۷۰۲۵	۲۰۱۴
۳۴۱۲۶۶	۴۴۶۸۷۶	۳۵۱۷۳۴	۲۶۰۱۷۳	۲۰۱۵
۳۴۷۸۹۰	۴۶۰۸۴۷	۳۵۹۱۱۴	۲۶۰۱۲۷	۲۰۱۶
۳۷۳۲۴۵	۴۸۳۵۸۸	۳۸۵۷۳۶	۲۷۴۶۳۴	۲۰۱۷
۳۴۵۳۳۹	۴۴۹۲۰۶	۳۴۷۴۸۷	۲۷۴۸۰۶	۲۰۱۸
۳۲۵۰۰۲	۴۴۶۵۶۲	۳۲۹۵۵۹	۲۳۵۹۶۹	۲۰۱۹

توجه داشته باشید که: مخارج سرانه براساس شاخص قیمت مصرف‌کننده روستایی و شهری و همچنین تفاوت‌های هزینه زندگی در میان استان‌های مختلف ایران و مناطق روستایی و شهری آن تعدیل شده است.

#### جدول ۱۴: ضرایب وزنی-مکانی استفاده شده برای لحاظ کردن تفاوت‌های هزینه زندگی

شهری	روستایی	استان
۰,۹۸۳	۰,۶۶۸	مرکزی
۱,۰۰۵	۰,۹۱۷	گیلان
۱,۱۶	۱,۰۱۲	مازندران
۱,۱۳	۰,۹۲۹	آذربایجان شرقی
۰,۹۹۶	۰,۹۳۵	آذربایجان غربی
۰,۹۸۳	۰,۷۸۳	کرمانشاه
۰,۹۷۵	۰,۸۰۱	خوزستان
۱,۰۰۰	۰,۸۹۷	فارس
۱,۰۲۹	۰,۹۰۰	کرمان
۰,۸۸۹	۰,۷۶۳	خراسان رضوی
۱,۱۸۲	۱,۱۱۹	اصفهان
۰,۸۲۴	۰,۶۸۴	سیستان
۰,۹۰۱	۰,۷۴۴	کردستان
۱,۰۹۱	۰,۸۰۰	همدان
۰,۸۹۲	۰,۷۷۶	بختیاری
۰,۹۶۱	۰,۷۹۸	لرستان
۰,۸۷۷	۰,۸۵۶	ایلام
۰,۹۳۶	۰,۸۵۵	کهگیلویه
۰,۸۷۰	۰,۹۲۷	بوشهر
۰,۹۸۷	۰,۷۴۸	زنجان

شهری	روستایی	استان
۱,۰۵۸	۰,۸۶۶	سمنان
۱,۱۹۰	۰,۸۹۴	یزد
۱,۱۷۵	۱,۰۰۱	هرمزگان
۱,۴۱۱	۱,۱۲۴	تهران
۱,۰۴۱	۰,۸۷۶	اردبیل
۰,۹۶۷	۰,۸۹۴	قم
۱,۰۵۳	۰,۷۷۹	قزوین
۰,۹۸۹	۰,۹۳۳	گلستان
۰,۸۸۹	۰,۷۶۳	خراسان شمالی
۰,۸۸۹	۰,۷۶۳	خراسان جنوبی
۱,۱۸۲	۱,۱۲۲	البرز

توجه داشته باشید که: ضرایب وزنی معکوس خطوط فقر برای مناطق روستایی و شهری ۳۱ استان مختلف هستند. منبع: محاسبات مولف بر اساس خطوط فقر برآورد شده توسط صالحی اصفهانی و هاشمی (۲۰۰۷).

#### جدول ۱۵: سهم طبقات مختلف درآمدی

سال	فقیر	طبقه متوسط رو به پایین	طبقه متوسط	طبقه متوسط رو به بالا
۱۹۹۰	۳۵,۱	۳۶,۵	۲۶,۱	۰,۸
۱۹۹۱	۳۳,۳	۳۶,۱	۲۸,۱	۱,۱
۱۹۹۲	۳۰,۵	۳۶,۹	۳۰,۵	۱,۰
۱۹۹۳	۳۰,۵	۳۸,۰	۳۰,۳	۰,۸
۱۹۹۴	۳۰,۸	۳۸,۴	۲۹,۰	۰,۸
۱۹۹۵	۳۳,۲	۳۷,۱	۲۷,۸	۰,۸
۱۹۹۶	۳۲,۰	۳۷,۶	۲۸,۰	۰,۸
۱۹۹۷	۲۸,۷	۳۹,۲	۳۰,۰	۰,۹
۱۹۹۸	۲۶,۳	۳۸,۱	۳۲,۷	۱,۲
۱۹۹۹	۲۳,۷	۳۷,۲	۳۵,۶	۱,۳
۲۰۰۰	۲۱,۶	۳۶,۷	۳۸,۹	۱,۷
۲۰۰۱	۲۰,۰	۳۶,۵	۴۰,۲	۱,۹
۲۰۰۲	۱۵,۵	۳۵,۸	۴۴,۵	۲,۶
۲۰۰۳	۱۲,۰	۳۴,۴	۴۹,۷	۲,۶
۲۰۰۴	۹,۳	۳۱,۲	۵۴,۴	۳,۷
۲۰۰۵	۸,۶	۲۹,۹	۵۵,۶	۴,۱

سال	فقیرو	طبقه متوسط رو به پایین	طبقه متوسط	طبقه متوسط رو به بالا
۲۰۰۶	۹,۶	۲۹,۸	۵۴,۷	۴,۴
۲۰۰۷	۷,۸	۲۸,۸	۵۷,۸	۴,۸
۲۰۰۸	۸,۳	۲۸,۷	۵۸,۲	۳,۳
۲۰۰۹	۹,۰	۲۸,۹	۵۶,۵	۳,۵
۲۰۱۰	۸,۰	۲۸,۴	۵۷,۷	۳,۶
۲۰۱۱	۶,۷	۳۱,۰	۵۸,۴	۲,۴
۲۰۱۲	۶,۴	۳۱,۵	۵۸,۱	۲,۲
۲۰۱۳	۶,۷	۳۳,۶	۵۶,۱	۲,۰
۲۰۱۴	۸,۴	۳۲,۸	۵۴,۳	۱,۹
۲۰۱۵	۸,۷	۳۳,۹	۵۳,۵	۲,۱
۲۰۱۶	۸,۷	۳۳,۲	۵۴,۰	۲,۲
۲۰۱۷	۸,۱	۳۰,۶	۵۶,۲	۳,۱
۲۰۱۸	۱۰,۷	۳۴,۳	۵۱,۱	۲,۶
۲۰۱۹	۱۲,۱	۳۴,۶	۴۸,۸	۲,۰

### ۳. دستمزدهای واقعی

جدول ۱۶: دستمزدهای ماهانه واقعی به ازای هر منطقه

سال	روستایی	شهری	تهران	ایران
۱۹۸۴	۱۴,۳	۱۸,۱	۱۵,۶	۱۶,۱
۱۹۸۵	۱۴,۶	۱۸,۹	۱۷,۰	۱۷,۱
۱۹۸۶	۱۳,۰	۱۷,۲	۱۵,۴	۱۵,۳
۱۹۸۷	۹,۰	۱۴,۰	۱۲,۰	۱۲,۱
۱۹۸۸	۹,۲	۱۲,۳	۱۰,۴	۱۱,۰
۱۹۸۹	۱۱,۰	۱۱,۶	۹,۴	۱۱,۰
۱۹۹۰	۱۱,۹	۱۲,۶	۱۰,۱	۱۱,۸
۱۹۹۱	۱۴,۰	۱۳,۷	۱۱,۲	۱۳,۴
۱۹۹۲	۱۵,۱	۱۴,۷	۱۱,۶	۱۴,۲
۱۹۹۳	۱۳,۶	۱۵,۴	۱۲,۶	۱۴,۳
۱۹۹۴	۱۴,۰	۱۳,۶	۱۱,۴	۱۳,۳
۱۹۹۵	۱۱,۳	۱۱,۵	۹,۵	۱۱,۰
۱۹۹۶	۱۲,۱	۱۳,۰	۱۰,۶	۱۲,۲
۱۹۹۷	۱۳,۸	۱۴,۰	۱۲,۱	۱۳,۶
۱۹۹۸	۱۳,۷	۱۵,۲	۱۱,۶	۱۴,۱



سال	روستایی	شهری	تهران	ایران
۱۹۹۹	۱۲,۸	۱۴,۰	۱۱,۰	۱۳,۱
۲۰۰۰	۱۲,۹	۱۵,۴	۱۲,۹	۱۴,۲
۲۰۰۱	۱۳,۶	۱۶,۷	۱۳,۰	۱۵,۱
۲۰۰۲	۱۴,۴	۱۷,۸	۱۳,۴	۱۵,۹
۲۰۰۳	۱۵,۶	۱۸,۵	۱۳,۸	۱۶,۷
۲۰۰۴	۱۶,۱	۱۹,۵	۱۶,۲	۱۷,۹
۲۰۰۵	۱۷,۸	۲۰,۸	۱۶,۹	۱۹,۱
۲۰۰۶	۱۸,۸	۲۱,۸	۱۸,۲	۲۰,۲
۲۰۰۷	۱۹,۳	۲۱,۹	۱۷,۷	۲۰,۳
۲۰۰۸	۱۶,۹	۱۹,۹	۱۶,۳	۱۸,۳
۲۰۰۹	۱۷,۸	۲۰,۱	۱۷,۷	۱۹,۰
۲۰۱۰	۱۶,۶	۱۹,۸	۱۷,۵	۱۸,۵
۲۰۱۱	۱۴,۸	۱۸,۸	۱۵,۶	۱۷,۲
۲۰۱۲	۱۳,۷	۱۷,۳	۱۴,۷	۱۶,۰
۲۰۱۳	۱۴,۰	۱۷,۶	۱۵,۶	۱۶,۴
۲۰۱۴	۱۴,۵	۱۸,۹	۱۷,۱	۱۷,۵
۲۰۱۵	۱۵,۴	۲۰,۲	۱۸,۳	۱۸,۷
۲۰۱۶	۱۶,۶	۲۱,۷	۲۰,۶	۲۰,۳
۲۰۱۷	۱۶,۵	۲۳,۰	۲۰,۶	۲۱,۱
۲۰۱۸	۱۵,۲	۲۱,۳	۲۱,۰	۱۹,۸
۲۰۱۹	۱۴,۴	۲۰,۱	۱۹,۹	۱۸,۸

توجه داشته باشید که: دستمزدها براساس شاخص قیمت مصرف‌کننده و تفاوت‌های هزینه زندگی در استان‌های مختلف و مناطق روستایی و شهری تمام استان‌ها تعدیل شده است.

منبع: محاسبات مولف با استفاده از داده‌های خرد مخارج و درآمدهای خانوارها.



## توصیف مشخصات پیمایش‌ها

### الف. پیمایش مخارج و درآمدهای خانوارها

این پیمایش از دهه ۱۹۶۰ انجام می‌شده است و از دهه ۱۹۷۰ به بعد نیز به صورت منظم هر ساله انجام شده است. این پیمایش به تفکیک مناطق روستایی و شهری و استانی انجام می‌شود. پیمایش ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، مخارج و درآمد نزدیک به ۳۸۰۰۰ خانوار مختلف را گزارش می‌کند. گستره نمونه‌ای آن به ۱۲ زیرمجموعه مساوی و ماهانه تقسیم شده است. داده‌های سطح خرد این پیمایش‌ها از سال ۱۹۸۴ به بعد در تارنمای مرکز آمار ایران در دسترس عموم قرار گرفته است.

### ب. نیروی کار

پیمایش فعلی نیروی کار ایران برای مطابقت با استانداردهای بین‌المللی و به ویژه استانداردهای سازمان جهانی کار طراحی شده است. این پیمایش جایگزین پیمایش پیشین و غیراستاندارد خود با عنوان پیمایش ویژگی‌های اشتغال و بیکاری خانوارها شده است که اجرای آن در سال ۲۰۰۴ متوقف شد. پیمایش نیروی کار به صورت دوره‌ای و متناوب انجام می‌شود و از فضای نمونه‌ای ساده‌ای استفاده می‌کند که در دوره‌های زمانی منظم تکرار می‌شوند. خانوارها در فصل مشخصی وارد این پیمایش می‌شوند و پیش از خروج و بازگشت به آن در همان فصل سال بعد، به مدت دو فصل مداوم در این پیمایش باقی می‌مانند. اندازه گستره‌های نمونه‌ای معمولاً بزرگ است و بیش از ۱۰۰۰۰۰ خانوار (در حدود ۵۰۰۰۰ نفر) را در بر می‌گیرد.

خانوارها را براساس اطلاعات ارائه شده در این پیمایش می‌توان با یکدیگر مطابقت داد، اما مطابقت افراد بسیار پیچیده‌تر است، زیرا اگر یکی از اعضای خانوارها، آنها را ترک کند عدد مربوط به او به عضو بعدی خانوار داده خواهد شد. این مقاله بیشتر افراد را بر مبنای جنسیت و سن با یکدیگر تطبیق داده است و مشاهداتی را که شماره شناسایی خانوار و افراد آنها با دور پیشین پیمایش مطابقت نداشته‌اند کنار گذاشته است.

منبع

Djavad Salehi-Isfahani. (2020). Iran under Sanctions: Impact of Sanctions on Household, Welfare and Employment. Johns Hopkins: Washington, DC.